

لهستان از زبان لهستانیها

* مردم لهستان و مخالفین رژیم حاکم درباره اوضاع جامعه بوروکراسی حاکم، وضع زندگی و کار زحمتکشان، جنبش کارگری و اهداف آن، سیاست شوروی، سیاست کلیسا و غیره سخن میگویند.

«آنچه در لهستان میگذرد محصول شجاعت خلق است»
 «در لهستان، قانون کار فقط روی کاغذ موجود است»
 «جنبش کنونی، سر آغاز یک جهت گیری نوین کارگران است»
 «ما تنها از ظواهر سوسیالیسم برخورداریم»

در صفحه ۲



فرودگاه کابل زیر ضربات مجاهدین

افغانستان

در آلمان نیز امیرالیم انگلیس، امیرالیم نوخاسته و مهاجمی بود که برای تسلط بر جهان از هیچ کوششی فروگذار نبود. تاریخ بار دیگر تکرار میشود، خلق مبارز افغان امروز نیز با ابر قدرت امپریالیستی نو

نزدیک آنرا بندت در هم کوبیدند. تشدید حملات و بمباران های اطراف کابل و فرودگاه این شهر بر طبق گزارش این دبیلانها به خاطر حملات وسیع جنگجویان افغانی به این مراکز و در رابطه با شصت و

هم زمان با شصت و یکمین سالگرد استقلال افغانستان از زیر یوغ امپریالیسم انگلیس، مجاهدین افغانی به حملات و فعالیت های خود در داخل کابل و فرودگاه این شهر افزایش دادند. بر اساس گزارش دبیلانهای

نامه کارگر

کارخانه
چیت
ساری
تهران

در صفحه ۳

ند آمریکا، نهر روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود

سال دوم دور دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۶ شهریور ۵۹ شماره ۹۴ تک شماره ۱۰ ریال

رقابت دوا بر قدرت جهان را به لب پر نگاه جنگ سوق میدهد

استراتژی جدید جنگ اتمی آمریکا

تشدید توپخانه های آمریکا علیه ایران

حمله قرار می دهند. بدین ترتیب آمریکا در یک جنگ هسته ای درازمدت اما محدود با روسیه درگیر می شود. استراتژی قبلی جنگ هسته ای آمریکا مبتنی بر هدف قرار دادن شهرها، مناطق صنعتی و کارخانجات روسیه بود. این استراتژی که از اوائل سالهای ۱۹۶۰، اساس جنگ هسته ای آمریکا بوده است در صورت وقوع یک جنگ اتمی متقابل شهرها و مناطق صنعتی آمریکا و روسیه را در برداشت

اواسط مردادماه ۵۹ کارتر استراتژی جدید جنگ هسته ای را تصویب کرد و طبق "دستورالعمل شماره ۵۹ ریاست جمهوری" فرمان اجرای آن صادر کرد. وی در این دستورالعمل خاطرنشان ساخت که بهترین راه برای مقابله با روسیه بدست آوردن توانایی لازم برای اعمال یک جنگ هسته ای دراز مدت ولی محدود علیه مناطق و تأسیسات

بمبهدر صفحه ۲

در نیویورک آمریکا از روی نقشه استراتژی جدید جنگ هسته ای آمریکا برده برداشت. این سخنرانی بعد از گذر از حزب دمکرات آمریکا که در آن کارتر بعنوان نامزد ریاست جمهوری از طرف این حزب اعلام شد، برگزار گردید.

طبق این استراتژی جدید در صورت وقوع یک جنگ هسته ای بین آمریکا و شوروی، موشکهای آمریکا در ابتدا پایگاههای نظامی روسیه و سایر تأسیسات نظامی آنرا مورد

هفته گذشته هارولد براون وزیر دفاع آمریکا طی یک سخنرانی در "داکتده جنگ دریایی"

توده ها
خواهان
تفاهم اند

تشکیل کابینه "یکدست" آقای ریجانی با مشکلات روبرو شده و بجا وجود یک مدت قانونی معرفی آن به مجلس شورای سپری گشته است، هنوز تاریخ قطعی تشکیل دولت معلوم نیست.

آنچه قطعی است اینست که علت اصلی این مشکلات را باید در تصمیم آقای ریجانی مبنی بر "یکدست" بودن کابینه جستجو کرد که در واقع مشخص کنونی کشور را بصراحت اعلام جنگ به تمام هم و جدات است. زیرا که آقای نخست وزیر برنامه‌های ارائه داده اند که "یکدست" بودن کابینه را بتوان با آن سنجید و نه معیارهای ارائه شده مانند "مکتبی بودن" معیارهای روشن و تعریف شده هستند که بتوان بر آن اساس افرادی را دست چپین نمود.

آنچه بیشتر به واقعیت نزدیک است اینست که "یکدست بودن" فرمول جدیدی برای مقله‌ها نخواهد بود بلکه است و "مکتبی بودن" به چسبیدن مناسبتی تبدیل شده است برای اعمال آن و روشن است که در شرایط فعلی مملکت که مردم عمیقاً خواهان نظام وحدت در سطح رهبری مملکت هستند و هم مشکلات و نابسامانی‌های پیشین را وجودتفا هم وحدت را طلب می کنند، تشکیل کابینه‌ای "یکدست" که تنها نماینده یک نظریه گرو است، از همان ابتدا با ناکامی روبرو شود. مشکلاتی که از واقعیت جامعه برمی خیزند و نمی توان آنها را به اجابت و دشمنان انقلاب نسبت داد. مشکلاتی که با عبادی بسیار گسترده داشته و با ایده‌های صراحت گفت که مواضع موجود بر سر راه تشکیل کابینه است. نثرین مشکل دولت آینده خواهد بود و هنگامیکه دولت "یکدست" جدید کار خود را آغاز کند با مشکلاتی برآید که بفرنجی و سخت تر و روبرو خواهد گشت. مشکلاتی که به راه حل‌های مبتنی بر تفاهم و وحدت نیازمندند و کابینه در شرف تشکیل دقیقاً بعینت "یکدست" بودن خود از گره گشائی آنها عاجز است. تجربه ۱۸ ماهه پس از انقلاب نشان داده است که دوری چپین از وحدت، نپرداختن به مشکلات واقعی و توده‌ها و بجای آن "یکدست" کردن مراکز قدرت، لاجرم به تشدید بحران و مرجع فشار بر مردم و رشد انحنا رطبی می انجامد و مشکلات جدیدی می آفریند. است که بدین طریق واقعیت از اینرو مهم نشده، میخوابد و تشنگی‌های بعدی آنرا از هم اکنون تنها به امیربالیستها و فدا انقلاب نسبت دهند و هیچگونه شکی در اشتباه خود که تطفه شکست را به همراه آورده ننگند.

البته منطق و واقعیات قویتر و آگاهی مردم را بالاتر از آنست که این تبلیغات بتوانند کاری زیبش ببرند. توده‌های انقلابی، آگاه، دانا و

تفتیش عقاید در استخدام کارمندان محکوم است

استخدام مخفیانه و تفتیش عقاید در استخدام، اخراج مساوی با زینت شده گردنهای بیرویه مغلان و کارکنان وزارت آموزش و پرورش بدلیل عقیدتی، توسط انحصار طلبان خودکامه، موجی از تنفر و اعتراض و نگرانی را در میان همه نیروهای آزادخواه برانگیخته است. از هر گوشه و کنار مملکت از شهرها و استانها خبرهای مبنی بر صحت این مدعا می رسد. برای نمونه: در شهر گرگان که نماینده آن در مجلس نیز به تفصیل در این باره سخن گفته، تعدادی حدود ۱۰۰ نفر طی یک مصالحه برای توفیق ترتیب های سلامتی و براساس آشنایی های فردی و معیارهای عقیدتی انحصار طلبانه در آموزش و پرورش استخدام

شده اند. در شهر تبریز از راه کلی آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی حدود ۷۰۰ نفر دبیر و دبیران را بدون اینکه از طریق روزنامه ها آگهی بدهد و با اطلاعیه ای در این رابطه صادر نمایند، استخدام نموده است. نحوه استخدام نیز به این شرح بوده که از تعداد مورد اعتماد خواسته شده عده ای فارغ التحصیل را که بقیه دارنده نظر آنها هستند معرفی نمایند و سپس از این عده امتحان بعمل آمده است. در بهمن ماه ۹۰ نفر و در شهری های دیگر مثل میانه نیز به همین ترتیب تعدادی استخدام شده اند. اکثر سواالاتی که در مصاحبه ها برای مطمئن شدن از صلاحیت فردا متحان دهنده پرسیده شده سواالاتی در جهت حزب دوسته خاصی بوده است.

رئیس جمهور بدستی در این باره اظهار داشته است که طرح این نوع سواالات و استخدام به این شیوه آدم را یاد شیوه های آریا مهری و رستاخیزی رژیم گذشته می اندازد با این تفاهوت که آن موقع کمی سادتر از حال بود، نمی پرسیدند آیا عدس هاست یا نه ولی مثل اینکه حالا خیلی مکتبی تر شده است.

ما با راهها هدایت جریانات انحصار طلبانه بوده و نتایجش را هم که اعتراض و مقاومت شدید توده های افراد و انزوای انحصار طلبان و بالاخره شکست و عقب نشینی آنان بوده است، را آزموده ایم. اما گویا تخم قدرت آنچنان جلوی چشم عده ای گرفت که نمیدانند زوده را نباید آزمود با زودست به چپین کارها می بیزند.

آنان در یکسال گذشته همزمان با اینکه شروع به نفوذ در مراکز و ارگانهای مهم دولتی کرده اند تا قدرت را هر چه بیشتر در دست خود قبضه نمایند، نقشه های نیز برای آموزش و پرورش که مهم ترین مرکز تعلیم و تربیت و فرهنگی جامعه است کشیدند. اولین اقداماتشان دستور ممنوعیت فعالیت سیاسی در مدارس و دانشگاهها و سپس اخراج معلمان و استادان با اصطلاح "غیر اسلامی" بود که وزیر آموزش و پرورش وقت نیز با صدور بخشنامه ای به تاریخ ۹۴/۸/۵ شماره ۲/۲۲۸۶، برانجام داد که این امر حاشیه گذاشت.

شصت و یکسال پیش انگلیسی ها را بیرون ریختیم و امروز روسها را باید بیرون بریزیم

یکمین سال استقلال افغانستان می باشد. مراد ماه ۱۲۹۸ پس از سالها مبارزه سخت و طولانی و دادن هزاران شهید خلق دلیر و میهن دوست افغان موفق به بیرون راندن اشغالگران انگلیسی از سرزمین خود شدند. در آن زمان نیز ارتش امیربالیست انگلیس با مدرن ترین سلاحهای جنگی آن زمان مجهز بود اما در مقابل خلقی بیباک و مصمم که برای نجات میهن خود با دست خالی می رزمید شکست خورد و برآورد آمد.

دو ساعت در روز یکشنبه ۲۶ مردادماه فرودگاه کابل را مورد حمله قرار دادند و صدای تیراندازی و بمب بارانها در این مدت بگوش می رسید. از طرف دیگر بنا ب گزارش خبرگزاری های خارجی مجاهدین افغانی در قندهار تلفات سنگینی به نیروهای روسی وارد کردند و ۸ افسر روسی را کشتند.

روز دوشنبه بعد از انفجارها و صداهای مشابهی در حوالی ظهر بگوش رسید و هلی کوپترهای تویبار "ام آی ۲۴" در حالیکه هدفهای خود را در دو کیلومتری شرق فرودگاه کابل بمباران می کردند قابل رویت بودند. این دیپلماتها هم چنین گفتند که گزارش هایی دریافت کرده اند مبنی بر اینکه عملیات جنگی در روزهای یکشنبه و دوشنبه در حومه شهر کابل نیز وجود داشته است.

همین گزارشات حاکی است که در محل خبرگان که یک اردوگاه نظامی روسی است تیراندازی ها و زدو خورد های قابل ملاحظه ای رخ داده است. در یکی از حومه های کابل بنام "بزمان" که پایگاه احتمالی رزمندگان افغانی است تانک ها، زره پوشهای نفر بر و هلی کوپترهای زرهی آنجا را بسند بمباران کردند و تبه

در نمازهای پیشین "رجب طبی" بر خورد کوتاهی به تشدید کرد آمدن میانه با ندکیا نوری و بانده کشتگر- نگهدار بدمینال مدوریک اعلامیه مشترک از طرف چریکهای اکثریت و بانده قاسم، خاطر نشان ساختیم که این بازی جدید مزدوران روسی در چارچوب استراتژی عمومی روسیه در مورد ایران و تحولات درمناسبات میان جمهوری اسلامی و دولت نوری قابل توضیح است. همه میدانیم که همین جندها پیشین فعالیتهای تریبی در جنبه مزدوران و وابستگی روسیه بوجود آمد بخشی از رهبری سازمان چریکها (اکثریت) در خارج اساسی خود در مورد سوسال امیربالیسمه جنبه حزب توده بیست و اندکی پس از آن نیز بخشی از رهبری حزب دمکرات (جناح بلورین) از جناح قاسموا نشعب کرد و بدین جنبه بیوست، حزب توده گوید خود را بانی این "تحولات مثبت" جا بزند و دروغ بزرگ خود را مبنی بر دفاع از جمهوری اسلامی جا بیندازد. خود را بنامه رام کشنده و خوش دردل جاگمین جا کند. با از همان آغاز این حیلها را افشا کردیم. ما حتی خیلی قبل از این تحولات نشان دادیم که باند کپیا نوری بدستور اربا بدری ایجاد یک جنبه متحد روسی است و بسیاری این منظور میگویند سازمان چریکها را و نیز بخشی از رهبری سازمان مجاهدین را به این جنبه جلب کند. تا اینکه سرانجام پیش بینی ما به وقوع پیوست و با اعتقاد ما بنده کشتگر- نگهدار به دامان بانده

نظامی اش با امروزی ترین ابزار جنگی مجهز اند. بیش از یکصد هزار ارتش مهاجم روس خاک کورستان را در اشغال دارند. مردم غیور و استقلال خواه افغان امروز نیز پس از شصت و یکسال در یک نبرد نابرابر برای رهایی و آزادی میهن خود مبارزه میکنند.

تزارهای سلطه طلب روس باید بدانند که هر چه بیشتر نیروی نظامی و سلاحهای امروزی تر وارد افغانستان کنند قادر به در هم شکستن مقاومت خلق قهرمان افغانستان نخواهند شد. مردم افغانستان عزم خود را جزم کرده اند که حتی به قیمت میلیونها قربانی میهن خود را از لوث بیگانگان پاک کنند.

کپیا نوری برده اول ستاریوی جنبه متحد خلق اجرا شد. اکنون اختلاف اخیر میان دو بانده ایست و مزدوران چگونه میتوان توضیح داد؟ ما در گذشته با حرکت از تجربه افغان نشان دادیم که چگونه مسکو میگویند در ایران نیز فرمول جادویی "خلق" و "برجم" را در قبال بانده کپیا نوری و بانده کشتگر- نگهدار عملی کند. یعنی اینکه از دو ابزار مختلف برخوردار باشد و هر یک را به فراخور موقعیت به نحوی به حرکت در آورد. از این دو ابزار یکی باید نقش مدافع و حامی مدد و وسوسه جاک جیور را بازی کند (بانده کپیا نوری) و یکی نقش فعال مدافع انتقادی و حتی بنامه شرط نقش مخالف آن یکی را. بدین ترتیب مسکو می تواند دنیا استفاده از این دو ابزار را تکنیک نشان قندی و جمالی را اجرا کند و هر وقت که ضرورت داشت جمالی را علیه جمهوری اسلامی بلند کند، نقش جمالی را طبعاً گسی جز بانده کشتگر- نگهدار رستوا نشعبه بازی کند یعنی باندی که صلح به انواع سلاحها بوده و ما هیا در کردستان و کشید و دیگر جاها موی دماغ دولت شده است. امضای اعلامیه مشترک قاسموا چریکهای اکثریت در حقیقت جمالی است که کرملین بلند کرده است چرا؟ به دلیل:

- ۱. ولایت نوری چریکهای اکثریت و تغییر موقعیت آنها نی آنها در قبال حکومت و "غیر وابسته" خواندن دولت با شکست روبرو شد و کسی آنها را حتی نکرست. وحشی ملاقات با رئیس دیوان عالی کشور، دکتر بهشتی نتوانست فرجی برای آنان باشد. بدین ترتیب جنبه متحد روسی به مثابه ابزار معامله گیری با جمهوری اسلامی نتوانست با بگیرد. تا بیروابط میان دولت جمهوری اسلامی و بر قدرت شوروی بشد در معده ۶
- در این شماره :
- * تظاهرات کارگران شرکت ساختمانی چکش در صفحه ۳
- * فارس: اوچگیری جنبشهای دهقانی در صفحه ۳
- * قرارداد واگذاری بنادر و فروش گاهها بین آمریکا و سومالی بسته شد.
- در صفحه ۵
- * اقتصادی: درباره مهلت وزارت کار بسته ما حیان صنایع در صفحه ۵

نیرنگ جدید عمال روس

اتحاد بزرگ ملی

آنچه که در زیرملاحظه می کنید منس محاسبه های مختلفی است که روی یاد انقلاب اسلامی با دوش از شخصیت های انقلاب اسلامی استاد ملی شهرانی و حامی فرشته ها و وعده های دیگر از برادران و خواهران مبارزان انجام داده است. در شما ره های گذشته رنجبران مطالبی را از قول آیت الله موسوی اردبیلی و همینطور استاد در اصفهان تحت همین عنوان - یعنی اتحاد بزرگ ملی درج کرده بودیم.

غرض از انتخاب نام اتحاد بزرگ ملی برای این ستون ، تاکید بر هم بیشتر بر روی برنامهاست که حزب رنجبران ایران برای ادا ممانعت انقلاب در اوضاع کنونی مطرح نموده است و بخصوص در شرایط کنونی که شرقه ها و جدائی ، در صفوف نیروهای استقلال طلب بزرگترین ناراضی ها را ایجاد کرده و ادا ممانعت را با خطرات جدی روبرو ساخته چنین تاکیدی بیجا نیست غرض از انتخاب این مطالب برای ستون اتحاد بزرگ ملی، پشتیبانی از نقطه نظرات و وحدت طلبان است که در این اظهار عقیده ها و نظرات مستتر است. نقطه نظرات وحدت طلبان نه ای که به باور ما وجهت اتحاد بزرگ ملی است.

در محاسبه ها یکی که در بخش "بیمها و امیدها" (انقلاب اسلامی سه شنبه ۴ شهریور) با مردم بعمل آمده نظرات یکی از یاسخ دهندگان درباره اوضاع حاکمین، علل و راه حل ها چنین است:

معتقدم بر خورد های مکتبی دارد فدای بر خورده های گروهی می شود. یعنی دوبا نقد قدرت هر یک عکس العمل یکدیگر شده اند و از حرکت مکتبی وامانده اند. برای بررسی ریشه و علل سؤال لایانیز با دید خصمانه هر یک از این باندها چیست و تعارض آنها با حرکت مکتبی چیست. بزرگترین اشکال رئیس جمهور و اطرافیان خود مطلق بیستی است. حزب جمهوری نیز جریانی است که خلوط موافق و مخالف حرکت انقلاب در آن هست و جریانی که دستی به نظر نمی آید. دیگر اینکه چون این حزب عکس العمل با آنده مقابل شده است، به دلیل عدم یک بینش مکتبی از تصفیه عناصر غیر صالح در شورای مرکزی بازمانده است.

سؤال میکنم ریشه و علت را در چه می بینید؟ پاسخ می دهد:

فکر میکنم اساسی ترین و تنها حرکتی که باید انجام شود بازگشت آنها به خط راستین امام است. چرا که هر دو باند قدرت در تلاشند تا نظرات امام را در حصار تنگ محدودیتهای خویش محصور کنند. یکی علیرغم تاکید بر خط امام و پیروی از نظرات ایشان و طرح شعار تعمیم امامت برای هوادارانش از خویش امامی دیگر ساخته است و دیگری هر آنچه خود می پندارد بنام خط امام در ذهن نموده تا تبلیغ می کند.

از وی می پرسیم بنظر راه حل چیست؟ می گوید:

در مرحله اول برای ایجاد یک بنیاد صحیح ابتدا باید از دست شستن از زشتیها شروع کرد، همان قدرت طلبی ها و انحصار طلبی ها. قدم بعدی حرکت برای خدا است. مسئولین هر یک تئوری هایی برای خود دارند و با اصل پنداشتن آن سمت آن می تازند. لذا هر چند مسئولین بی هدف نیستند، لکن بدلیل عدم یگانگی در هدف هر لحظه در حرکتشان از هم دورتر می شود. برای از میان برداشتن چندگانگی، مومنین با بیستی برادران سه کرده نشسته و چون رهبری امام بر سر اصولی توافق کنند و بر سر آن اصول باستند و هر یک مجری اصول مورد توافق تمام گردند.

خانم فرشته هاشمی

در سری محاسبه های "بیمها و امیدها" (انقلاب اسلامی دوشنبه ۲۷ مرداد) محاسبه ای با خانم فرشته هاشمی بعمل آمده و نظرات ایشان درباره انقلاب و مشکلات آن و نکات مثبتش چاپ گردیده است.

خانم هاشمی در این محاسبه بر روی مشکلات جامعه و اوضاع دشواری های نادرست در حل آنها تاکید کرده و گفته است:

ملت ایران انقلاب کرده هستیم و نیازمند به اصلاحات انقلابی فراوان

استاد علی تهرانی

استاد علی تهرانی در محاسبه های "بیمها و امیدها" (انقلاب اسلامی سه شنبه ۲۸ مرداد) در رابطه با مسأله ملی که انقلاب با آن درگیر است و علل و ریشه های آن سخن گفتند:

"بنظر اینجانب عمده ترین جهت نگرانی که با ایجاد فکرت تمام مسلمانهای واقعی مشغول داشته باشد اینست که اینها دارند مکتب اسلام را در گونه جلوه می دهند، یعنی مکتبی دروغگو، تهمت زن، ریاکار دودوزه با زیرک، درخیم بی باطن

استراتژی جدید... از صفحہ اول

نظامی، می باشد. متخصصین امور نظامی آمریکا قبلا اظهار کرده بودند که روسیه مدت ها است که چنین توانایی را بدست آورده است.

برای بیاد کردن این استراتژی جدید آمریکا نیاز به سلاح هسته ای بیشتر و دقیقتر دارد. علاوه بر این یک بودجه ۲۴ میلیارد دلاری برای ساختن موشکهای متحرک نیز مورد نیاز است. آمریکا همچنین مجبور است میلیاردها دلار برای ساختن زیر دریایی های برنا بکننده موشک، وسایل ارتباطات جدید و غیره خرج کند.

این استراتژی همچنین مستلزم کامل کردن و دقیق تر کردن سلاح های هسته ای موجود در زادخانه آمریکا می باشد. تغییرات اساسی در موشکهای متحرک، اصلاحات جدید در فرماندهی نظامی، دقیق تر کردن رادارها و سایر وسایل ارتباطی از این جمله اند.

این استراتژی جدید امکان یک جنگ هسته ای طولانی که هفته ها و حتی ماهها طول می کشد را در نظر می گیرد. برای طولانی کردن این جنگ طولانی ولی محدود به پایگاهها و سایر تاسیسات نظامی دوا بر قدرت، تبدیل به یک جنگ گسترده دربرگیرنده شهرها و مناطق صنعتی نشود. طرح ایجاد یک نیروی هسته ای ذخیره غیر قابل انهدام و دسترسی به موشکهای دوربرد روسیه ریخته شده است. این نیروی هسته ای ذخیره در مرحله اول جنگ وارد عمل نمی شود، از اینرو طراحان نظامی آمریکا امیدوارند که وجودش دولت روسیه را از گسترده تر کردن جنگ بازدارد. ولی مخالفان نگارتر معتقدند که این استراتژی جدید احتمال جنگ هسته ای را افزایش داده است.

عکس العمل دولت روسیه در برابر اعلام استراتژی جدید جنگ هسته ای از طرف آمریکا، بسیار شدید و تند بود. خبرگزاری تلوس در تفسیری از این موضوع با لحن بسیار شدیدی طراحان این استراتژی را دیوانه خواند. تانی هم چنین در این تفسیر افزود که این استراتژی بطور اجتناب ناپذیری به تسریع روند ساختن سلاح هسته ای می انجامد.

همزمان با این تغییرات اساسی در استراتژی جنگ هسته ای، آمریکا آمادگی خود را برای ساختن یک بمب افکن جدید اعلام داشت. این بمب افکن با وسایل ارتباطی که بر روی بدنه اش نصب شده است، قادر خواهد بود که رادارهای رد یا بنده را کور کرده و از پوشش حفاظتی این رادارها بدون اینکه

بیدینی است که امیرالایسم برای تحقق بخشیدن به اهداف بلند خود علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه چینی می کند زیرا ایران هم در نقطه استراتژیک جاسی قرار گرفته است و هم

این واقعیات نشان میدهد که فقط وعده و وعیدهای مربوط به مسایل مردم است که به تحقیق نمی پیوندند، اما وعده هایی چون حفظ "منافع حیاتی آمریکا" و ساختن "یک آمریکا قدرتمند" با باطل "حفظ صلح و آزادی" در جهان که بیگ کلام معنی ناپدیدان صلح لندن امیرالایسم آمریکا و سرکوبی خلق ها و ملل ستمدیده جهان میباشد، به تنهایی به تحقیق نمی پیوندند، بلکه در آخرین لحظات دوره ریاست جمهوری شدت و سرعت بیشتری بخود می گیرند.

این واقعیات همچنین می تواند موزند که این تغییرات در سیاست نظامی آمریکا را فقط از دریچه چشم انقلاب ایران نباید دید، بلکه از دیدگاه رفقا و دوایر قدرت برای سرکردگی بر جهان و تلاش هر دو برای سرکوبی خلقها و ملل ستمدیده جهان مورد بررسی قرار داد. عبارات دیگر بطور مشخص در این مورد، امیرالایسم آمریکا برای حفظ منافع جهانخواهانه خود در برابر تهاجمات فزاینده ابر قدرت روسیه از یکسو و تلاشهای خلقها و ملل تحت ستم برای استقلال و آزادی از سوی دیگر به این تغییرات و نوسازی در استراتژی جنگی و نیروهای مسلح خود دست می زنند.

اخبار نیروهای سیاسی

اتحادیه کمونیست ها و چریک های فدائی (اکثریت)

کمپرادوری، یک بنکها بدنیوریک و سازماندهی برای امیرالایسم و خاسنه شوروی نمیا تدور هیران آن به طبقه کارگر و ملت خود حیا نسبت نمی ورزند. آنها تنها از نگاه به طبقه کارگر و بیسج سوسیالیستی این طبقه غافلند و بیش از اندازه در باره بیوندهای خود با جنس جهان نمی کدانی و حمایت همسایه تمالسی می اندیشند!

بها اعتقاد "اتحادیه کمونیست ها" "حصرات در جانی مرز خود را با حزب نوده می کشند که دروازه ورود دشمنان است!"

کمونیست ها شعار "نه شرقی نه غربی" را تأیید می کنند

"اتحادیه کمونیست ها"، دلخوری رهبری غاصب چریکها از شعار "سه شرقی نه غربی" و "داد و ستان ایمن

حصرات از دست محافظه کاری و ارتجاع خرده بورژوازی، رانانی از مخالفت نومان آمریکا و متحدینش (غرب جنا پیکار) و با "سوسیال امپریالیسم شوروی (شرق جنا ورکر)"، میسندان دو می نویسد:

"اتحادیه کمونیست ها"، تلاش دارد دست رهبری غاصب چریکها، در تقسیم جهان به دو اردوی متخاصم جهانی، یکی متشکل از "سیستم جهانی سوسیالیستی" یعنی اتحاد شوروی با اصطلاح سوسیالیستی و کشورهای متحد و زیر سلطه آن و دیگری متشکل از "امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا"، را "بی پروا نی نسبت به واقعیات جهانی، و نتیجه آن را "رفتن به زیرتلاش رما رزه ها" امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا "و اتحاد با "سیستم جهانی سوسیالیستی جعلی یعنی با سیستم سارت امپریالیستی جدید که ابر قدرت سفاک روس آنرا رهبری می کند" و "پذیرفتن سرپرستی واریایی آن" می داند.

"اتحادیه کمونیست ها"، لجن براکنی رهبری غاصب چریکها به جنبش های مستقل و ملی و ستایش آنها از "جریانی زرد و ارتجاعی هم بیمان سوسیال امپریالیسم روس و از تحا و گدی، و تاخت و تاز ایمن

موردانکا زینست املاحت انقلابی است. ولی آنچه موردبیم ونگرانسی است نحوه برخورد با این مسئله است. در بسیاری از موارد می بینیم که اصلاحاتی که در اصل مورد قبول عامه است آنچنان مورد برخورد قرار میگیرد که بجای ایجاد رفاه و آسایش موجب درگیریهای روانی و برخورد های سنگین و خلاصه موجب نا احوالی ترانی و برهم زدن آرامش اجتماعی میگردد.

بطور مثال یک روز مسئولین یکبار رهبر سربازاری ریخته هر چه مشکل اقتصادی است از طرف او میدانند و مردم نیز با مسئولین هم در آن شده خوب تکفیر بر سربازاری بلسه میکنند و در این میان اصل قضیه که بر نامه ریزی برای اصلاح عملکرد غلط با زار است به دست فراموشی سپرده میشود. روز دیگر شکوه و شکایت و طعن مسئولان ارشادی بر ممتا بیرو محافل بر سر کار ماندن دولت سرازیر میشود و از آنجا بعنوان پشت میزنشینهای بی مصرف صحبت میشود و مردم تحریک شده نیز برخوردشان با آاداری بهمان سو جهت میگیرند.

و بالاخره یک روز نیز جماعت تکفیر بر سر زنان آاداری بلسه میشود آنچنان که گویی تنها و تنهایی حجابی آنان عامل طافوتی بودن محیط آاداریست، و حال باید منتظر بود که یکما هدیگر فریادنا رضایتی نسال بوجوان و عتیان زده مدرسه رودر تبال یونیفرم مدارس بر خیزد، همان نسلی که ما در نشان بعلت نیازمندی حجاب اسلامی را در آاداری پذیرفتند ولی اغلب آبرو و عزت هر چه حجاب اسلامی است بر باد داده اند.

خانمها شی ضمن تاکید بر روی این نکته که موضوع بحث، مورد اعتراض قرار گرفتن این اقشار نبوده بلکه راه حل و برخورد ما بسه مشکلات است، می گویند: "ماددهای جامعه را می بینیم ولی بجای معالجه یا بر بر مریضی فریاد می زنیم که چرا دردمندی و بیا یک مسکن به ما میدهم در نتیجه ما همه را درگیر یکسری ناراضی پیتی ها و مشکلات روانی میکنیم که خطری عمده است برای انقلاب ما".

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیر
مسئول: علی حجت

نشانی: (دفتر رنجبر در اشغال یکی از مراکز خودکامه است.)

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۳۱۴ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵
جای زندگی

مجمین سندها و اسناد های موسمی مکتب داران و وسیله های برای کنار زدن ها و کافر و مرتد درست کردنها و تنیها خود را در محنه باقی گذاردنهای معرفی می کنند و قهرا قشور سیمی از توده مردم را که آگاه های شان بر مکتب تا عمق استقلال فکری پیش نرفتند بویژه قشور جوان و نورسیدگان که توجه به اوضاع و احوال جاری کشور دارند متاسفانه از اسلام دلسرد می شوند و علاوه بر این قشرهای دیگر هم که از دیدگاه وسیعتری برخوردارند بسوی فکر معروف تر "اسلام منهای روحانیت" سوق می دهند و این مدعا آنقدر روشن است که نیازی به توضیح و ذکر نمونه ندارد، گفتارها و رفتارهای اینها در یکسال و چند ماه گذشته بهترین گواه بر مدعا های ما است اندک نظری بر روزنامه های که اینها بنام اسلام منتشر میکنند و شنیدن چند دقیقه تبلیغات رادیو و تلویزیون که اینها در اختیار و انحصار دارند، دلیل بارز آن است. درباره ریشه و علل اینها باید بگویم "منشأ آنها عمدتاً قدرت طلبی و ریاست خواهی و در یک کلمه تکالب بر سر جیفه دنیا است".

بدین ترتیب گسترش و نوسازی سلاحهای سنتی و پایگاههای زمین

متخصصین را در خدمت از صفحہ اول

سابق داشته و هم اکنون هیچ توطئه و همکاری با ضدا انقلاب ندارد، این بزرگ وجودش در کشور لازم است و اگر یک همچین بزرگی تصفیه سودا یک فرد گرانقیمتی را از دست داده ایم و این فرد گرانقیمت چون سرمایه ای با ارزش از کشور ما خارج میشود. بنا بر این در میان بزرگان و همچنین متخصصین در شرکت نفت و صنایع مادر که در کشور ما وجود دارند و نظیر آنها کمیا با است و همکاری با ضدا انقلاب و توطئه گران هم نباید از دیدیم اندازه ما با بقای باقیمانده وجود اینها استفاده کنیم.... با دیدم وظایف با شند مغزهای بزرگش که در کشور هست تصفیه نشوند و از کشور خارج نگردند. بالاخره با پستی منابع و مصالح کشور اسلامی ایران در نظر گرفته شود و سایرین از مغزها اگر به آمریکا یا به هر کشوری بروند آنها خوشحال هم هستند و آنرا با آغوش باز می پذیرند. پس چرا ما چنین نیروهای را از دست بدهیم؟"

سخنان حضرت آیت الله منتظری حاکی این واقعیت است که جریان پاکسازی بدلیل نداشتن برنامهای صحیح و منطقی و حاکمیت نظریات انحرافی مضربحال انقلاب و کار آن عمدتاً به یک جریان سرچ و مرج طلبانه تبدیل شده و لطمات قابل توجهی در بعضی زمینهها بوجود آورده است.

در طی این مدت در تمام ادارات و وزارتخانهها و دستگاههای دولتی پستی قلیل عنا صر غیر مسئول، انقلابی نما و انحصار طلب که البته در میان نشان عوام ضدا انقلاب و طافوتیان سابق به آسانی رخنه کرده اند به تصفیه و اخراج مشغول گردیده و وعدهای را با چربهای گوناگون و اینکه در زمان رژیم شاه سابق اینطور زندگی کردی اینطور افراد را که بد رجالت مختلت به خلق و انقلاب و اهداف آن خدمت میکردند و حتی افرادی را که با شور و شوق به

امریکا در صد است که با یکس بودجه ۴۰۰ میلیون دلاری فرودگاهی را در اطراف سد اسوان در مصر گسترش داده و تبدیل به یک پایگاه نظامی کند. این تصمیم آمریکا بعد از انعقاد قراردادی بین آمریکا و سومالی برای استفاده آمریکا از پایگاه. بر بره درسومالی میباشد. آمریکا قبلاً اجازه استفاده از پایگاههایی در عمان و کنیا را بدست آورده بود.

بدین ترتیب گسترش و نوسازی سلاحهای سنتی و پایگاههای زمین

انقلاب خدمت میکردند، تحت عناوین پیش یا افتاده اخراج کردند و با این اخراجهای بی رویه و نادرستی دل سردی بوجود آورده و حتی در بعضی موارد افراد مشتاقی را مجبور به ترک خدمت کردند. و بدین ترتیب اسباب ناراضی شدن بخش وسیعی از مردم را فراهم کردند.

برای نمونه همین مسئله بزرگان که آیت الله منتظری نیز بدان اشاره کردند در نظر بگیریم. در طی چند ماه گذشته بنا به گفته دکتر فاضلی سرپرست وزارت بهداشت، در این شرایط که کار در خدمت و بهداشتی در روستاها و شهرها موجود نیست و به این لحاظ مردم در مصیقه هستند و ما برای جبران این کمبود از هندوستان و جاهای دیگر پزشکی می آوریم، حدود ۲۷۵ پزشک از ایران خارج شده اند، البته با این رقم باید هزاران متخصصی را که سال پیش از کشور خارج شده اند را افزود. به این ترتیب اولاً سرمایه های که سالها برایمان بول و وقت صرف شده بود به خدمت دیگران درآمده اند، ثانیاً کارهای خدماتی و درمانی ضربه خورده و مثلاً در بیمارستان قلب مهدی رضایی که یکی از مجهزترین بیمارستانهای قلب بوده است و در گذشته بطور متوسط روزانه چهار عمل جراحی صورت می گرفت در حال حاضر به علت رفتن بزرگان (بدلیل اهان و کتک خوردن از دست عنا صر غیر مسئول، کم شدن حقوق به میزان غیر معقول، ایجاد محدودیتهای مختلف کاری...) بیمارستان از کار ربا زمانده و بی مشکل میتواند هفته ای یک عمل جراحی انجام دهد. و حتی گفته میشود که ممکن است بیمارستان قلب تبدیل به بیمارستان عمومی شود.

با این تفاسیر، اظهار نظر آیت الله منتظری در مورد شیوه درست برخورد به متخصصین کاملاً مثبت و به سود انقلاب است. اما این اظهارات اندکی حالت نوشدا و بعد از مرگ سهراب را ندارد؛ شاید بهتر باشد بگوئیم جلوی ضرر را هر کجا گسه بگیریم منفعت است.

همدان و سوکراتش، را نتیجه ای اتحاد و همدستی این داور دستها سردمداران دولت شوروی می دانند. و به عنوان مثال از افغانستان و آنگولا یاد کرده و می نویسند: "بزرگمایشان جنبش مسلحانه مردم افغانستان مبارزه عادلانه خلقی نیست که برای آزادی و استقلال خود بسیار خسته است، بلکه، بیورش ارتجاع منطقه و امپریالیسم آمریکا است و لشکر جرای روسیه فاشیست و جا سوسان که شش کار چون بیرک کارمل فتوادل سفاک فرشتگان نجاتند".

و به همین ترتیب از "مبارزه مردم آنگولا علیه امپریالیسم جهانی" و "نزادپرستان آفریقای جنوبی" دم میزنند که منظورشان مبارزه کذائی با نافرمت طلب و متنه جوی آگوستینونتواست که کشور تازه استقلال یافته آنگولا را به زیر چنگه سوسیال امپریالیسم روس و عمسال کوبا کشیش افکنند... ولی دربارها تاخت و تاز لشکران "گوشه دم تسوب" کوبا کشی شوروی و فرماندهان روسی آنها، که صحنه جنگ آنگولا را به صحنه نبرد با قدرت ها تبدیل کردند و استقلال آنگولای نوپسند را در هم کوبیدند، سخنی نمیان نمیاورد و بلکه از آن بعنوان "مبارزه مردم یاد میکنند".

"اتحادیه کمونیستها"، درباره این بیخوشی انقیاد طلبانه رهبری چریکها می پرسد: "اینها فردا درباره وطن خود چه خواهند کرد؟ آیا میخواهند در اینجا هم آنکولائی جدید برپا کنند؟ و یا حکومت های با مصطلاح دموکراتیک خلق از نوع رسوای افغانی آن بر مردم با رها خیا نت دیده ما تحمیل گردانند؟"

"اتحادیه کمونیستها" ممن طرح لزوم محکوم کردن این گرایش فرصت طلبانه و مرتجعانه در چریکها خاطر نشان می کنند که: "مردم ایران در نبر، بزرگ خود علیه جلادان آمریکائی سازی به اتحاد با ریاکاران ایضا جلاد شوروی نداشته و بدین خاطر برای رها کشی از غرب امپریالیستی نمی رزمند که در جنگال شش سرق سوسال امپریالیستی قرار گیرند".

مرز بندی قلابی

رهبری چریکها با حزب توده

"اتحادیه کمونیستها"، سپس به مرز بندی قلابی رهبری غا نسبت چریکها با حزب توده اشاره می کند و می نویسد: "ار دیدگا هنویسندگان" کار "حزب توده یک حزب سوسیال

روسی و همدستانش، ته در گفتاروتنه در کردار خودشان بناداده و نمیدهند و بلکه با انعکس آنرا تا شید کرده و در دقیق کردن محتوای آن و تشویق خرده بورژوازی در این زمینه میگویند این نویسندگان "کار" و سایر مشاطه گران امپریالیسم روس و اردوگاه کذائی هستند که بیشترین دشمنی را با این شعار هم در گفتار و هم در کردار از خود نشان میدهند و اشکال هم در خودشان است. اشکال در اینست که این شعارها عواطف و افکار منحرف آنها برمیخورد".

"اتحادیه کمونیستها"، سپس می نویسد: "سپاری از شعارها کئی که امروز در آن خرده بورژوازی ضد امپریالیست این کشورها علیه "کمونیسم" و "مارکسیسم" بیسرون میآید در وهله نخست به بخاطر طغیان ضد کمونیستی و ضد پرولتری و با عواطف ارتجاعی آنها، بلکه بخاطر بنیها و فجاج بی شمار است که سوسیال فاشیسم با بکار بورژوازی بی پدر و مادر و بیوینیست بنا م مسلک انقلابی کمونیسم و مارکسیسم در جهان مرتکب شده و از طرف امثال انقلابی شما ها و روشنفکران ظاهرین و فرصت طلبانه که همچنان به خرابکاری در جنبش کمونیستی و کارگری متغولند، بسا سکوت، و یا حتی بدتر، به توجیسه و تشریبه بر گزار شده است".

جبهه سازی چریکها

در خدمت سوسیال امپریالیسم

"اتحادیه کمونیستها" در خاتمه جبهه پیشینهای از طرف داور دست رهبری چریکها، برای "اتحاد علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا" را در رابطه با تر: "تقابل نیرو میان دوار دوی متخاصم" کذائی در عرصه بیکار جهانی و "گام گذاشتن در راه سوسیالیسم آنچانی آنها، می دانند و در این رابطه می نویسند:

"این جبهه طبعاً جایگاه همه آن نیروهای است که بنا به مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و همدستانش وحدت و همبستگی خود را با سوسیال امپریالیسم روس و همدستانش اعلام دارند و بنا مدافع از "کشتن سوسیالیسم" از ایضا رگری های وحشیانه ای که مثلاً در افغانستان روی میدهد به دفاع برخیزند" "مشتری اول این جبهه دیون شک حزب کذائی توده است و "مشتریهای بعدی: بقیه "دموکراتها" و "انقلابیها" "

رنجبر روی زمین آشتاد

نامه کارگر کارخانه چیت سازی تهران به رنجبر

کارخانه چیت سازی تهران و کارگران انقلابی آن را در یابید

اخیراً "نامه ای از یکی از کارگران کارخانه چیت سازی تهران دریافت داشته ایم که در این نامه ضمن اشاره به مبارزات کارگران این کارخانه، مختصری از وضع اسفناک کارگران شاغل، احجافات دست اندرکاران وزارت کار و مدیریت این واحد تولیدی، شرح داده شده است.

ما ضمن چاپ نامه این کارگر زحمتکش نسبت به جریانات ناسالمی که در این کارخانه میگذرد هشدار میدهیم و عواقب ناگواری که اینگونه احجافات در پی خواهد داشت را مستقیماً متوجه آن کسانی می دانیم که با پایمال کردن حقوق کارگران، ناچیز شمردن نقش تاریخی طبقه کارگر در انقلاب و ادامه آن و خودسریها و انحصارطلبی های گوناگون، راه خود را بسمت قسدرت مطلقه میگشایند و در این راه از قربانی کردن زحمتکشان بی می به خود راه نمی دهند.

کارخانه چیت سازی تهران، قبل از انقلاب یکی از مراکز پر جوش و خروش کارگری بوده و همیشه مهمترین مسائل و مشکلات کارگران در آن طرح شده و مبارزات فراوانی در آن صورت گرفته است. این کارخانه و کارگران دلیر آن همواره بر علیه احجافات ضد کارگری رژیم محمدرضا شاهی فریاد خود را بلند کرده اند. هنوز خاطره آتش گشودن کودتاچیان ۲۸ مرداد ۳۲ بر روی کارگران این کارخانه از اذهان آنان پاک نشده است. در سال ۵۵ در اوج خفقان و سرکوب رژیم وابسته شاهنشاهی، ۱۷ روز دست به اعتصاب

زدند و با مقاومت و مبارزه خویش بر علیه رژیم مزدور شاه و ساواک و پلیس او، حماسه ای از قهرمانی طبقه کارگر را به نمایش گذاشتند. راهپیمائی معروف به وحدت که از این کارخانه شروع شد و راهپیمائی های دیگر بسمت دانشگاه تهران و منزل مرحوم آیت الله طالقانی فراموش نشدنی است.

کارگران جوان و نیرمندی که از زمان سلطه آمریکائیان در این کارخانه به کار مشغولند، امروز بصورت پیر مردانی فرسوده و مریض همچنان به کار طاقت فرسا ادامه می دهند. دستگاهها و لوازم این کارخانه فرسوده شده اند، ولی با این همه تولید این کارخانه به نسبت دوران طاغوت به دو برابر افزایش یافته است.

علت بالا رفتن تولید، فرمان امام و احترامی است که کارگران به خون شهدای راه آزادی می گذارند و می خواهند که ایران به استقلال برسد و از وابستگی به ابر قدرت های جهان خوار نجات پیدا کند. آری، با وجود کمبود سایل یدکی و فرسوده شدن ماشین آلات، کارگران این کارخانه تمام توان خود را برای تولید باز هم بیشتر به کار گرفته اند. کارگران این کارخانه به انقلاب اسلامی چشم دوخته اند و منتظر فرجی از این انقلاب بوده و هستند تا به وضع بد کارگران و کارخانه سر و سامانی ببخشند.

اما دعوای حاکمین و انعکاس آن در کارخانه ما وجود دارد. نمایندگان حاکمین و بویژه انحصارطلبان تمام زحمات کارگران را در بالا بردن تولید به حساب خود می گذارند

و روز به روز امکانات رفاهی بیشتری برای خود قائل شده و کارگران را نا امیدتر می نمایند. ولی کارگران با خود پیمان بسته اند تا با احترام گذاشتن به پیام امام و خون شهیدان و رسیدن به ایران مستقل از ابر قدرتها، تلاش خود را لحظه ای کم نکرده و بسمت بیان تاریخی امام که گفته اند: " اداره امور این مملکت باید بدست کارگران باشد"، شروع به از بین بردن روابط طاغوتی نمایند. این روابط طاغوتی بطور مختصر عبارتند از: حیف و میل دستمزد ناچیز کارگران، بیت المال، سود ویژه کارگران و ندادن حق و حقوق قانونی کارگران از جمله طبقه بندی مشاغل و بازنشستگی. افزایش فشار بر کارگران بیمار و زنان کارگر و پایمال کردن حق و حقوق این زنان زحمتکش. البته لازم به یاد آوری است که شورای کارخانه بعزت بی اطلاع بودن از علم مدیریت و بی اعتمادی به کارگران و سستی در حل مشکلات کارگران، آهسته آهسته از جانب مدیریت کارخانه سر بر آورده و بر علیه کارگران وارد عمل میشود.

سال ۵۸ به پایان رسید و تولید دوبرابر شده بود و کارگران از ماهها قبل حساب سود ویژه خود را می کردند ولی به هنگام تقسیم سود ویژه که هشت میلیون تومان بود، حدود ۲ میلیون تومان آن تقسیم نشد و وقتی کارگران برای کسب حقوق حقه خود خواستار توضیح مسئولین شدند، هیچ مقام مسئولی در کارخانه برای پاسخ به کارگران پیدا نشد. کارگران از بی توجهی مسئولین خشمناک شده بودند و در مجمع عمومی خواهان اخراج این مسئولین بی مسئولیت و ضد کارگر شدند ولی آنان که از

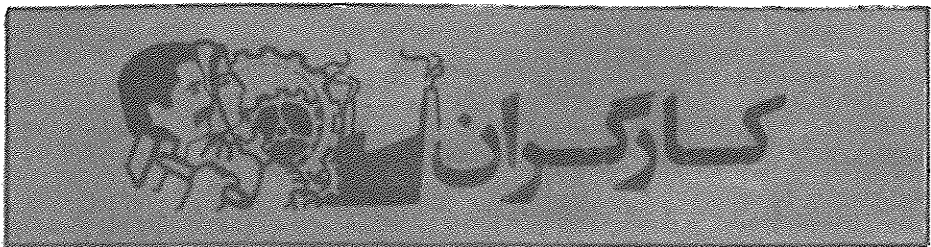
مبارزه کارگران لرزه بر اندامشان افتاده بود، توطئه ای را طراحی کرده و آنرا بر علیه کارگران به اجرا در آوردند.

و اما توطئه، تقریباً "نیم میلیون تومان از ۲ میلیون باقیمانده سود ویژه را بین کارگران تقسیم کرده و سپس طی اعلامیه ای ۱۳ تن از کارگران را بنام اخلاک و کسانی که شعارهای ماوراء چپ؟! مطرح کرده اند، از کارخانه اخراج کردند. کارگران اخراجی که با این توطئه از کار بیگار شده بودند به مقامات مسئول مملکتی از جمله وزارت کار، دفتر ریاست جمهوری شکایت کردند و در تمام این مراجع رای بر حقانیت آنان داده شد ولی مدیریت کارخانه با استفاده از جماع محمدرضا شاهی و ضد کارگری ماده ۳۳ قانون کار، از بازگشت آنان به سر کار جلوگیری کرد و با این ترتیب به تمام نهادهای مملکت دهن کجی نمود. آفرین بر روزی که کارگر علی رغم خواست همه کارگران ایران، ماده ۳۳ قانون کار طاغوت را از جان عزیزتر می دارد.

به این ترتیب ۱۳ خانوار کارگری در شب عید با دلی خونین از این همه بیعدالتی در حکومت اسلامی، به استقبال سال ۵۹ رفتند و کارگران شاغل نیز تا آنجا که در توانشان بود از کمکهای مادی و معنوی به این همزنجیران اخراجی خود کوتاهی نکردند و ضمن محکوم کردن این توطئه خود را در این جریان همسرنوشت کارگران اخراجی می دانستند.

کارگران امیدوار بودند که در سال ۵۹ تمام گرفتاری های کارگری از بین برود. ولی با شروع سال ۵۹ به تنهار اینگونه مشکلات و احجافات، ستم ها... کم نشد، بلکه افزایش هم یافت. سود ویژه بکلی قطع شد، ماده ۳۳ ضد کارگری به جای خود باقی ماند، گرانی زندگی بیشتر شد، وضع بهداشت کارگران هم بدتر از گذشته گردید.

بدران پیر، این کارگران زحمتکش که



دیگر توانائی کار کردن ندارند، از ترس اینکه مبادا باز نشسته شده و زیر بار کمر شکن مخارج زندگی نتوانند مقاومت بکنند و پیش زن و بچه خود خجالت بکشند، همچنان بکار طاقت فرسا در رطوبت ۸۰ درجه و فرکانس صدای ۱۲۰ درجه و گرمای ۳۵ درجه و گرد و خاک فراوان، مشغولند. احجافات بیشتر شده و تمام کارگران پس از اطلاع از حیف و میل مدیریت در بیت المال به خشم آمده اند. شورا و مدیریت بر سر دست رنج کارگران با یکدیگر در جدالند و در این میان تنها کارگران هستند که در بدترین شرایط به تولید پرداخته اند و کسی به مشکلات رفاهی آنان توجه نمی کند و نوسازی کارخانه هم که اغلب دستگاههای آن فرسوده است، بدست فراموشی سپرده می شود.

در حال حاضر برخی از مهم ترین خواسته های کارگران کارخانه چیت سازی تهران بشرح زیر است که باید هر چه زودتر نسبت به آن اقدام نمود.

- ۱- لغو فوری ماده ۳۳ قانون ضد کارگری که خواست کلیه کارگران ایران است.
- ۲- شرکت مستقیم کارگران در تدوین قانون کار.
- ۳- روشن شدن وضع تشکیلات کارگری.
- ۴- رسیدگی فوری به وضع بی سر و سامان بازنشستگی و اجرای طبقه بندی مشاغل.
- ۵- رسیدگی فوری به وضع اسفناک بیمه و مسکن کارگران.
- ۶- کم کردن ساعات کار کارگران کارخانه های که در رشته های سخت مانند:
- ۷- ریسندهی، معدن و غیره کار می کنند. پرداخت حداقل چهار ماه حقوق کامل بجای سود ویژه.
- ۸- رسیدگی فوری به احجافات وحیف و میل مسئولین دست اندر کار در کارخانه چیت تهران.

در دل های يك کارگر چوب بر با رنجبر

۱۰ ساعت کار می کنم و

کشاورز منطقه، در تاریخ دوشنبه ۲۳ تیرماه به استناداری فارس مراجعه کرده اند.

در صحبتی که با چند تن از آنان داشتیم آنها گفتند که: "حدود ۴۰۰ هکتار زمینهای عزیزالله خان قوامی - فتودال طاغوتی استان فارس، با افاقه در ۷۰ کیلومتر، شیارها را از

فارس:

او حگیوی حنشرهای دهقانان

برای گرفتن زمین و

تقسیم اراضی مالکان بزرگ و فقودالها

مشهد مرغاب

جهاد سازندگی دسترنج

دهقانان را کجا می برد؟ یکسال دسترنج ۸۰ نفر از دهقانان فقیر و زحمتکش مشهد مرغاب به وسیله جهاد سازندگی برده شده و مقامات مسئول تا به حال هیچگونه رسیدگی نکرده اند. زمین این دهقانان حدود ۱۰۰ هکتار از زمینهای اطراف مقبره کوروش در مشهد مرغاب است که در زمان رژیم سابق به زور از صاحبان آنها اترارمتری ۵ ریال (۱۱) گرفته شده و به عنوان محدوده ی مقبره، لم بزرع رها شده بود. این زمینها بعد از انقلاب بر طبق رهنمود امام، توسط صاحبان اصلی آنها کشت شد و در آن گندم و جو کاشته اند. لیکن هنگام برداشت محصول، نماینده سپاه پاسداران ارسنجان آمده و گفته که "این زمینها مال جهاد است و شما تصرف عدوانی کرده اید!" آنها نگذاشته اند که دهقانان محصولشان را برداشت کنند. دهقانان هم با اینکه عملاً هیچ راه دیگری برای گذران زندگی خود ندارند، لیکن برای جلوگیری از ایجاد درگیری و هرج و مرج، در مقابل سپاه پاسداران و جهاد سازندگی کوتاه آمده اند و در مقابل، جهاد هم نامردی نکرده و تمام محصول را بار کرده و برده است!

جالب اینجاست که دهقانان حاضرند حتی "پولی" را که در ازا زمین از دولت گرفته اند پس بدهند ولی با مزاحمت "مسئولین" روبرو نشوند. لازم به یادآوری است که بغل این زمینها، محمدخان ضرغامی-فقودال بزرگ و رئیس ایل باصری ۲/۰۰۰ هکتار زمین دارد و تا کنون حتی یکبار هم با مراجعه و تعرض سپاه پاسداران و جهاد سازندگی روبرو نشده است!

سیدون

بنیاد مستضعفین نباید جای عزیز الله خان قوای را بگیرد!

حدود ۳۰ تن از کشاورزان "سیدون" به دنبال اختلاف با "بنیاد مستضعفین" و پیگیری خواست خود مبنی بر حق استفاده از برداشت محصول خود، به نمایندگی از طرف ۱۲۰ خانوار

فراری کشت نموده و گندم و جو کاشته ایم. الان گندم و جو را درو کرده و کمباین زده ایم. ولی "بنیاد مستضعفین" نمی گذارند از محصولمان استفاده کنیم. "بنیاد" گفته است که ۴۰ درصد محصول باید برای "بنیاد" باشد و ۶۰ درصد برای ما ۱۲۰ کشاورز! ما تمام مخارج کشت را داده ایم و به مدت یکسال روی این زمینها زحمت کشیده ایم و حالا با این حساب چیزی دستمان را نمیگیرد. اینها اگر راست می گویند یکساعت بیایند جای ما کار کنند، ما نه زمستان داریم و نه تابستان! حالا هم نامه ای از طرف رئیس جمهوری برای استانداری آورده ایم و حاضریم که "بنیاد" کلیه مخارج کشت را بدهد و بعد ۴۰ درصد برای خودش بردارد و ۶۰ درصد به ما بدهد!

جالب اینجاست که یکی از نمایندگان کشاورزان در پی گفتگوی لفظی با مهندس حسینی عضو "بنیاد مستضعفین"، بازداشت شده و در حال حاضر در کمیته مهدیه زندانی است. کشاورزان می گویند: "حکم آزادی وی را سپاه داده ولی رئیس کمیته امضا نمی کند. آخر مگر او قاتل است؟ دزدی کرده؟ جز اینکه حق خودش را مطالبه کرده است؟" این کشاورزان در مورد مالکیت این زمین می گویند: "در زمان طاغوت با فشار و پیگیری ما، حدود ۹۰ هکتار از زمینهای عزیزالله خان قوامی بین ما ۱۲۰ نفر تقسیم شد که عملاً کفاف زندگی ما را نمی داد و مجبور بودیم به عنوان رعیت روی زمینهای او کار کنیم. حالا ما خواستار تقسیم این ۴۰۰ هکتار زمین بین خودمان هستیم. به هیئت ۷ نفری هم رجوع کرده ایم و آنها قول داده اند که پس از حل اختلاف ما با "بنیاد" زمینها را بین ما تقسیم کنند...."

تصحیح و یوزش

در "رنجبر" ۸۰، گزارشی بود تحت عنوان: "کارگران اخراجی فارس چوب در دفتر رنجبر". برابر اطلاع، این کارگران بدفتر "رنجبر" نیا مده بودند و گزارش مذکور در تماسی که کارگران فارس چوب با خبرنگار "رنجبر" در شیراز بعمل آورده بودند، تهیه شده است. که ضمن یوزش، بدینوسیله تصحیح میگردد.

من حسین جعفری اهل یکی از روستاهای اطراف آمل و از یک خانواده کشاورز میباشم. سن من ۲۰ سال میباشد و از زمانی که پیدام میاید کار میگردم و نیروی کارم در اختیار دیگران بود. چندسال پیش نزدیک استاد نجار کار میگردم و طبق صحبتی که با پدرم داشت قرار شد که من نزد استاد بدون مزد کار کنم تا شغل نجاری را یاد بگیرم و استاد دهم.

استاد نجار در ارتباط با کار من، دست خطی نیز از والدین من گرفت. استاد دبیرترین کار را از من میکشید و روزانه ۱۴۰۰ ریالی ۱۶ ساعت کار میگردم و فشار زیادی بر من وارد میشد. خلاصه چون دل پر خونی از او داشتم با او دعوایم شد و من هیچگونه ادعایی نمیتوانستم بکنم چون او از والدین من دست خط داشت و بدون آنکه پولی بمن بدهد، از من سود میبرد.

پس از مدتی در یک چوب سازی

برای خود کاری دست و پا کردم و فعلاً مدتی است که در این کارگاه مشغول کار میباشم. روزانه ۱۰ ساعت کار میکنم و در قبال آن روزی ۳۰ تومان حقوق میگیرم و این مرد در مقابل کاری که انجام میدهم، خیلی ناچیز است. از دفترچه بیمه و خدمات پزشکی خبری نیست و کار فرما تا کنون از این کار خودداری نموده است. اگر کوچکترین مریضی بسراغ ما آید قاربه پرداخت هزینه های دکتر و دوا نیستیم و باید به امان خدا باشیم، تا چه بر سر ما بیاید.

خواسته من این است که به وضع ما سروصورتی داده شود. باید بمدت قانونی یعنی ۸ ساعت کار را از ما انتظا ردا شده باشند. باید وضع بطوری باشد که اینقدر از ما بهره کشی نکنند و بر مبنای کار ما به ما مزد بدهند. باید بیمه شویم و از وسائل زندگی بهتر برخوردار گردیم.

آمل - حسین جعفری

کارکنان اتوبوسرانی شیراز اعتصاب کردند

رانندگان و کمک رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی شیراز از صبح روز چهارشنبه ۲۹ مرداد، به عنوان اعتراض به اخراج یکی از اعضای شورای رانندگان توسط هیات مدیره شرکت و عدم توجه به خواسته های آنان، دست به اعتصاب زده و مانع از خروج اتوبوسها از محل توقفگاه شرکت شدند. علت اخراج عضو شورای کارگران، درگیری وی با رئیس بهره برداری خطوط بوده است.

هیات موسس سندیکا های کارگری کرمان:

اعتراض به سخنان وزیر کار

هیات موسس سندیکاها و نمایندگان کارگران استان کرمان، در نامه گشادهای به سخنان وزیر کار در مورد "عدم احتیاج به سندیکا های کارگری" (۱) اعتراض کرده و آنرا "اعمال نظر شخصی" و "خلاف قانون اساسی" خوانده است. وزیر کار اخیراً در یک مناظره تلویزیونی گفته بود که: "من گمان می کنم که با وجود شوراها دیگر احتیاجی به وجود سندیکا نباشد." (۲) این حرف با اعتراض کارگران روبرو شده و این نامه هم جزئی از این اعتراض است. در بخشی از این نامه که در روزنامه کیهان، پنجشنبه ۳۰ مرداد چاپ شده، آمده است: "تداخل وظایف و مخدوش نمودن مرز شوراها و سندیکا های کارگری که هر یک از آنها دارای ترکیب، حقوق و وظایف خاص خود هستند، تضییق حق مسلم کارگران و ایجاد ابهام در وظایف شوراها و سندیکاهاست، چه در قانون اساسی تکالیف شوراها و سندیکا های کارگری بعنوان دو نهاد در دو اصل جداگانه با وضوح یادآوری شده است." هیات موسس سندیکاها و نمایندگان کارگران استان کرمان در نامه خود از وزیر کار خواسته است که این سخن خود را توجیه نماید.

مردم لهستان ومخالفین رژیم

حاکم دربارهٔ اوضاع جامعه، بوروکراسی حاکم، وضع زندگی و کارزحمتکشان، جنبش کارگری واهداف آن، سیاست شوروی، کلیسا و غیره سخن میگویند

لهستان از زبان لهستانیها

مبارزهٔ بیگانه کارگران و مردم لهستان برای رفاه و آزادی و استقلال، علیرغم نیرنگها و مقاومت ارتجاع و تهدید به سرکوب پلیسی و مداخله نظامی شوروی، همچنان به پیش میبرد و هر روز کارخانه‌های جدیدی برپا میگردند و با حمایت روزافزون خلقها و نیروهای آزادیخواه جهان روبرو میگردد. این مبارزه، همانطور که ما در شماره‌های بیستین "رنجر" به تفصیل توضیح داده‌ایم، دارای اهمیت ویژه‌ای است زیرا در سه بعد فدراسیون دفاکتویی و فدا میریالیستی (علیه سویال امپریالیسم شوروی) جریان دارد. کارگران آگاه لهستان با هشیاری تحسین انگیزی این ستمبارزه را با هم تلفیق داده و پیروزی‌های مهمی بدست آورده‌اند. این مبارزه برای پروتسارها و خلقهای سراسر جهان و از جمله برای طبقه کارگر و خلق قهرمان ایران آموزنده است. ما برای آشنایی بیشتر خوانندگان ایرانی با جنبش لهستان چارسد زیر را در این ویژه‌نامه درج میکنیم.

«در لهستان، قانون کار فقط روی کاغذ موجود است»

میکنند، در اینجا ما هدا و نتایج را به یک کارگر معدن را به نام "ولادیسلاو سولکی" می‌خوانیم، این کارگر که خود مدت ۲۰ سال در معدن مختلف لهستان کار کرده است، در سال ۱۹۷۸ کمیتدای با نقای سائیر کارگران برای ایجاد سندیکا های مستقل در کاتویچ بوجود آورد. لکن مورد آزار و تحقیق سازمان امنیت و اداره معادن قرار گرفت و سرانجام با کزیر تبعید اختیار گرفته و هم‌اکنون در آلمان غربی بسر می‌برد. ما هدا و نتایج روی آرزوی واقعیت مخوف استعمار روسم و کشتار کارگران معدن لهستان توسط دولت فاشیستی برده بر میداریم.

- * ۵۰ درصد کارگران مبتلا به سلیکوز هستند.
- * دولت معدنچیان را حتی روزهای تعطیل به کار می‌کشد
- * یک معدنچی ۴۰ ساله از نظر قوای بدنی داغان است.

پای صحبت یک کارگر معدن

در ماه اکتبر ۱۹۷۹، در جریان چهار انفجار در مراکز مختلف معدنی ناحیه سلزی، که در تاریخهای ۱۲، ۱۳، ۲۱ و اکتبر ۲۰، در مجموع ۶۵ کارگر کشته شدند، این سوری انفجار را که بزرگترین فاجعه معدنی ناحیه سلزی بشمار میرود، ناشی از شرایط مرگبار روحیانه‌ای است که دولت سرمایه‌دار رونا شیت لهستان به کارگران معدن تحمیل

در معدن، شعار حزب این بود: خدا کثرا استخراج بدون در نظر گرفتن شرایط کار را قانون کار در زمینسه بهداشت و امنیت کارگران، در لهستان قانون کار فقط روی کاغذ موجود است... آنجا که اجرای طرح مسرود تهدید فرار دارد، مواد قانون کنار گذاشته میشوند.

گزارش گروه «آزمون و آینده» دربارهٔ اوضاع لهستان و راه‌سالم‌سازی آن

«ما تنها از ظواهر سوسیالیسم پر خورداریم»

گروه "آزمون و آینده" یک گروه مخالف رژیم است که گزارش زیر را بر اساس مکاتبات اعضای خود تنظیم کرده است (دولت اجازه)

* بیماری سلیکوز: ... بر اساس مآه‌ها تی که من تجربه کرده‌ام، در بخش دوازدهم معدن "کلیویچ" از زهر دومعدنی یک نفر (۵۰٪) مبتلا به سلیکوز است. تجهیزات فنی این معدن بد است، لکن از این نوع معادن در لهستان فراوان است. تنها معادن نمونه به‌خارجان نشان داده میشوند.

* ساعات کار: از جمله بیماریهایی که معدنچیان به آن مبتلایند، من بیماریهای معدوی ناشی از تغذیه بد، انواع رماتیسم و بیماریهای قلبی ناشی از شرایط بدکار و بوختی دائمی را ذکر میکنم.

قانون کار قبلی می‌گفت که با ید مدت قانونی کار ریختنی ۴۶ ساعت در هفته (۴۰ ساعت برای جا های که ۲ شیفتی کار میکنند) رعایت شود. قانونا مقدار ساعات اضافی که کارگران ساعت در سال نباید بیشتر باشد. لکن در عمل مقامات مدیریت معادن این مقررات را کاملاً نادیده می‌گیرند. معدنچیان بلاوقفه کار میکنند، حتی روزهای یکشنبه (تعطیل هفتگی) و روزهای جشن را. در سالهای ۱۹۷۸-۷۹ معدنچیان موظف بودند تا یکشنبه را در سال کار نکنند. مقامات ایستگاهی بدین منظور تهیه میکردند. ظاهراً دا وظیفی بود ولی هرگز قبول نمیکرد اسمش در "لیست سیاه" نوشته میشد و بکار سخت تروکم در آمد ترفرستاده

* کار خردن و خوابیدن: من ارقام دقیق در دست ندارم ولی میدانم که بسیارند معدنچیان که در بهترین ایام زندگی خود با مقرری ماهانه تنها به علیل خانه نشین می‌شوند. یک معدنچی چهل ساله از نظر بدنی داغان است. زندگی خانوادگی معدنچیان که یکشنبه و روزهای جشن کار میکنند فلاکت‌بار است. معدنچی تنها در یک ماه تعطیلی سالانه خود فرصت زندگی کردن می‌یابد. در تمام طول یا زده‌ها به دیگر، تنها کاری که میکنند کار کردن و خفتن است. همین امر برای تکنسین‌ها و مهندسین معدن صادق است. آنها نیز داغما زیر ضربات تازیانه برنا مه و حشر قرار دارند... غالباً یک معدنچی عادی دوبرابر دیگر کارگر عادی مزد دریافت می‌کند، لکن سلامتیش نا بود می‌شود و از کارگر عادی جوان‌تر می‌میرد. معدنچیان لهستانی میدانند که سلامتی خود را در ازای مزد بیشتر می‌فروشند... چندین بار کارگران بیمه ردر حین کار در اعمال معدن از پای در آمدند. در چند مورد معدنچیان در اثر سکت قلبی درگذشتند.

تجربه شخصی من به من اجازه میدهد بگویم که شرایط کار رخیلسی بهتر خواهد شد اگر چنانچه مقامات مقرراتی را که خود سال گذشته در مورد امنیت کارگران وضع کرده‌اند

عدم مساوات در ارتباط با اعمال قدرت سیاسی است. در اینجا ما سه امتیاز پولی نیست بلکه امتیازات متعددی است که با پستیهای مختلف سلسله مراتب حکومتی همراه است.

* خطراتی که در کمین ما است: بحران کنونی، کشور را در معرض همه‌گونه خطرات قرار میدهد: لهستان از نقطه نظر استقلال ملی ازدواج با در معرض خطرواقعی است، از جانب تضعیف قوا پیش و از جانب وابستگی اقتصادی روزافزون به

اجرا می‌یابد، لکن مقامات بنا به تقاضای حزب ترجیح میدهند که جا سوسی کارگران را کنند. در لهستان قدرت کارگری در روزنامه‌ها موجود

اعمال خشونت آمیز علیه آنها دهت و نمایندگان رژیم منتهی کرد. "دولت استراتژی خود را در سه سال اخیر بر مبنای مانور مسمای اقتصادی قرار داده است، لکن از آنجا که علل عمیق بحران در مقوله‌ها ما برای اقتصادی قرار دارد، هر گونه برنا مه سال‌های گذشته اقدامات اقتصادی محدود شود، ما ف و پوست کنده برنا مه‌ای کاذب خواهد بود."

* وضع بهداشت اهالی



یک زن کارگر با شوهر اعتصابی خود در کشتی برای نین در دانسک ملاقات میکند

است. ولی در معادن و در کارخانه‌ها، کارمندان حزبی حکومت می‌کنند. (از نشریه "الکترا نیو"، چاپ پارسی)

بیمارانی که در راهرو و بیمارستان‌ها جان می‌سپزند، بیمارانی در بیمارستان‌ها به کرات به بیماریهائی واکنشی مبتلا می‌شوند و در مرگ نوزادان به‌خاطر ناکی رسیده است. لکن، از سوی دیگر، مراکز لوکس برای قشر ممتاز وجود دارد مانند کلیسک جدید وزارت بهداشتی در شهر "آنین"، آموزشگاه‌های معانی که از دست آورده‌های لهستان سوسیالیستی بود خبری نیست. برعکس، برای مداوا یا بی‌بیول داشت و بی‌بازرسی و با بسزد و بند کرد، یا دیده‌یستاران، برنگان

اعضای حزب تنظیم کرده است (دولت اجازه تشکیل کنفرانس و برگزاری اجلاس را به این جمع نمی‌داد). این گزارش دارای ارزش سندی فراوانی است و ما در اینجا فقط بخش بسیار کوچکی از آنرا نقل می‌کنیم.

* سوسیالیسم واقعی و ظواهر آن *

"در لهستان، ما دارای طریقه‌های ظاهری هستیم و چراغ‌های ظاهری و حتی ظواهر طرح‌ها را پشت سر می‌گذاریم. ما به موفقیت‌های ظاهری در صنعت و فرهنگ و علم و آموزش و پرورش دست می‌یابیم. ما دارای مسوولیت مجلس‌های ظاهری و دارای مساجد ظاهری هستیم و برای گمراهی و انحرافات ظاهری داریم و مقامات ما برای پناه

آزادی انتخابات ظاهری هستیم و یک اخلاق، یک تعهدخواهی و یک بیسرفیت ظاهری داریم. ما برای نام ظاهری و با شکوهی را برای افتتاح کارخانه‌ها و کارخانه‌ها می‌سازیم و برای علمیه‌ها و معاهد علمیه و معاهد عالی برای آموزش و پرورش، برای طوا هر قدر حدی است که احدی حتی عالی‌ترین مقامات کشوری، دیگران را تعینت سر درستی آورد."

*** قشر بندی جامعه**
در طول دهه‌ها اخیر، جامعه لهستان بطرز قطعی قشر بندی شده است: اختلاف میان دستمزدها امروز به نسبت یک به ۲۰ است. رژیم دیگر

مصاحبه با «یاک کورون» سخنگوی اصلی معترضین لهستانی

«جنبش کمونی، سر آغاز یک جهتگیری نوین کارگران است»

محبوبیت فراوانی در لهستان برخوردارند. مصاحبه: یزیدر مجله آلمانی شپگل و مجله فرانسوی نوول ایسرواتور درج گردیده است.

*** جنبش کمونی نتیجه فعالیت سیاسی عناصر آگاه از سوتی و تجارب متعدد کارگران از سوی دیگر است.**

*** تنها راه خروج از بحران، حق تشکل آزادانه کارگران است.**

یاچک کورون رهبر کمیته‌های اعتماد، مصاحبه: زیرا اندکی قبل از آنکه در ورشو توسط پلیس با تفاق آتش دیگر از بارانش دستگیر شود انجام داده است. او و آدام میشنیک که هنوز در بازداشت بسر می‌برند بخاطر فعالیت‌های خود در این "کمیته" دقل از خود اجتماعتی که عمدتاً شامل بخش اخبار مبارزاتی در داخل و خارج از کشور می‌شود، از

سوال: برخلاف گذشته کارگران این بار به تظاهرات خیابانی دست نزدند، چرا؟

جواب: این امر از طرفی ناشی از کارهای سیاسی نیروهای ضد حکومتی در چهار سال اخیر است. ما دائماً گفته ایم و نوشتیم که باید برای احقاق حقوق خود در خیابانها مبارزه کرد. روزنامه غیر قانونی "روبو تنیک" (کارگر)

مصاحبه با جری لیدرویک، سردبیر ماهنامه «کولتورا».

«آنچه در لهستان میگذرد محصول شجاعت خلق است»

*** امروز هیچکس به رژیم امیلی ندارد.**

*** در صورت حمله شوروی، لهستانی‌ها بدون شك خواهند جنگید**

جری لیدرویک سردبیر ماهنامه لهستانی کولتورا است که مدت ۲۲ سال است در پاریس چاپ می‌شود و در سراسر جهان و بطرز مخفیانه در خود لهستان منتشر می‌شود. مجله فرانسوی لویوان مصاحبه‌ای با سردبیر این ماهنامه ترتیب داده که بخشهایی

از آنرا بلحاظ اهمیت در زیر می آوریم:

سوال: آیا شما از وجود یک رهبری مرکزی اعتقاد بیون مطلع اید؟

جواب: خیر، این یک جنبشی است که در عین حال خودجوش و هم آهنگ است... در حال حاضر ۷۰۰ هزار غیر قانونی مخفیانه در لهستان چاپ می‌شود. بعنوان مثال "روبو تنیک" (کارگر) پنجاه هزار نسخه تیراژ دارد و بنا بر این زور آزمائی کمونی رژیم همه اقتصاد و همسایه دارد.

واستحسی اعتمادی روز افزون به کشورهای خارجی، لهستان همچنین بخاطر کند شدن آهنگ رشد اقتصادی و بخاطر سقوط سطح زندگی مردم در معرض خطر قرار دارد، از بابت افعال دولت و روابط استعمارگرانه و بنا بر این است که جداگانه ای اجتماعتی را تشکیل می‌دهند که خطر قرار دارد، از بابت کاهش شدید میزان موالید و انحطاط وضع بهداشتی مردم و پیشرفت سطح فرهنگ و آموزش و پیش از همه از بابت بحران اخلاقی و سیاسی دائمی است. اینها باید تهدید می‌شود.

در رابطه با خطرات فوری که این سطح زندگی که توسط دولت برای دو سه سال آینده پیش بینی شده می‌تواند صبرها را برای راساً آورد... در این حالت هر چه حال اجتماعتی می‌تواند به اعتبارات، به تعارضات و حتی به

نکنند. این احتمال فقط در صورت وقوع یک انفجار داخلی تحقق خواهد یافت. و در این حال ما با تکرار وضعیت پراک روبه روبرو خواهیم بود بلکه با وضعیت افتادگان مواجه خواهیم بود. شرایط ما تشدید شده است. ۱۹۵۶. لکن ما همه امکانات خود را بکار می‌بریم تا چنین احتمالی بوقوع نیوندد.

سوال: به نظر شما تکامل و افواج چگونه خواهد بود؟

جواب: جنبش اعتصابی تعیین کننده است و کسی نمی‌تواند آنرا متوقف سازد. این جنبش با شدت کم و بیش ادامه خواهد یافت. در این میان مسلمانان اعتصاب با بالا خواهد گرفت، بنظر من تنها راه خروج از بحران اینست که به کارگران امکان داده شود بطرز آزادانه تشکل شوند. به محض اینکه سندیکا‌های جدید بر اساس این شرایط آزاد و بر پایه دموکراسی بوجود آیند، اوضاع از نظر کیفیتی تغییر خواهد کرد. اهالی حاضرند در صورت تصمیم کارگران، قریباً و انواع مضیق‌ها را بپذیرند. جنبش

خودش خیلی زیاد است. ثانیا روسها نمی‌خواهند عوارض خود را با غربی‌ها شدیدتر کنند. اگر نیروی در لهستان صورت بگیرد یک قیام ملی واقعی به همراه می‌آورد و این منجر به یک بحران جهانی می‌گردد... لهستان ما نند چکسلواکی نخواهد بود.

ما عادت کرده ایم تنها بجنگیم و بدون امکانات مهم این است که رهبران شوروی این چیزی را که ما بشما می‌گویم بخواهند میدانند.

سوال: کلیسا چه خواهد کرد؟

جواب: کلیسا جنبش را ترمز میکند و در عین حال از آن حفاظت میکند. کار دینال و پیشینگی از دخالت شوروی هما نقدر می‌رسد که ادوار دیگر. هر دو این مداخله را غیرمحمول میداند، ما نه غیر ممکن، بدین خاطر، سران کلیسا تا حد ممکن متعادل خواهند بود، اما کشیشان جوان داستان دیگری است آنها همه جا در جنبش شرکت دارند و

سوال: گیرک چه میتواند بکند؟

جواب: امکانات وی بسیار محدود است. اولاً در درون حزب با مخالفت بسیار روبروست. ما ننسند همیشه کسانی هستند که به مقام وی حسادت می‌کنند. ثانیا حکومت دستخوش هرج و مرج غیر قابل تصویری است. در مورد قوای ضد شورشی (میلیشیا)، این قوا اولاً قادر به سرکوب یک قیام واقعی نیستند و ثانیا مورد تنفر تمام اهالی اند. در مورد ارتش، چند روز پیشتر مهمات در اختیار رنده رزیرا روسها نسبت به ارتش لهستان ظنین اند. بنا بر این عملاً قادر به سرکوب کارگران نیست و انگهی از تیراندازی بروی آنان خودداری خواهد کرد...

سوال: آیا شما فکری کنید شوروی دخالت میکند؟

جواب: در حال حاضر بنظر من غیر محتمل است به چند دلیل، اولاً آنها در افتادگان گرفتارند و این

* وضع بهداشتی

در اینجا فقط به برخی از حادترین مسائل بهداشتی اشاره می‌پردازیم.

تنزل درصد موالید: بنا بر این قشر و شکر و قشر کارگران روز مزد که فقیرترین اهالی اند عموماً یک بچه بیشترند و نزدیک سوم این خانواده‌ها بخاطر فرمادی اصلاً بچه ندارند. یک سوم نوسوهرهای جوان مسکن ندارند.

بیمارستان: لهستان از این نظر در مقام قابل آخردر کشور های "سوسیالیستی" قرار دارد (از نقطه نظر تعداد تخت خواب به نسبت اهالی در پایشخت (ورشو) این رقم حتی بدست رقم میانگین کشورهای اروپای نمی‌رسد. کم نیستند

و بند کرده. با پدید بیرون ران و پرتاب نشود داد.

در ارتباط با داروها مطابق گزارش کمیسیون بهداشت و پرورش مجلس از ۱۲۴۸ دارو و حدود ۶۰۰ دارو همیشه با است. قیمت فروش داروها کاهش یافته است. قیمت تمام شده آنهاست.

در مورد تغذیه، مطابق تحقیقات دوا شوروارت بهداشتی، ۲۵٪ محصولات غذایی که برای فروش به بازار عرضه می‌شوند سالم و مضر برای سلامت است. لکن مصرف کنندگان از هرگونه امکانی برای کنترل موثر محصولات غذایی محروم‌اند.

(اگر شریه، "الکترونیک"، چاپ پاریس)



کارگران "دانسک" شب‌نامه مخفی و غیر قانونی چاپ میکنند.

هم اکنون در لهستان لیستان دیگری است و ما در کشور دیگری زندگی میکنیم.

اعتصاب و بیکنوع آزادی گانیداشی در انتخابات داخلی سندیکا‌های رسمی)

سوال: آیا بیوندهائی میان جنبش کارگری و روشنفکران موجود است؟

جواب: بله، دانسک بوتسه آزما بیون این اتحاد جدید اساسی است. در جاهای دیگر، بیوندها هنوز شکننده‌اند.

سوال: بعضی‌ها (مانند حزب کمونیست ترانس) فکر میکنند که اعتصاب لهستان یکی از نتایج مثبت سیاست "دانا" و تشنج زدائی است... .

جواب: "دانا"؟ من معنی این کلمه را نمی‌دانم. آنچه در لهستان می‌گذرد، محصول شجاعت خلق لهستان است.

می‌توانند صورت بگیرد. (حسرت)

توسعه طلبی سوسیال امپریالیسم و وحدت کشورهای جهان سوم را مستحکمتر میسازد

در سالهای اخیر، اما شاهد تلاش مشترک و متحد کشورهای جهان سوم در جنبه های مختلف مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار، سرگردانه گرائی و با طریقی در جهان بوده ایم. علانها اقتصاد در جهان بوده ایم. کشورهای جهان سوم دیگر دریا افتادند که تنها راه حفظ، حراست و تحکیم استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خویش و مقابله و مقاومت در برابر تضييق، استعمار، دخالت و تجاوز امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم تحکیم همبستگی و هماهنگی و کوشش متقابل خود این کشورها میباشد. اما این وحدت و یکپارچگی یکسویه ایجاد نشده است و مطمئنا برای قوام و استحکام آن نیز راه طولانی در پیش است. وحدت جهان سوم محمول مبارزات کوچک و بزرگ، مسلحانه و سیاسی در عرصه های مختلف اقتصاد و سیاست جهانی در بیست سال گذشته بوده است. مبارزاتی که از یک کشور بچند کشور، از چند کشور به کل جهان سوم، از یک منطقه بیک قاره و از یک قاره به قاره های آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین کشیده شده است. وحدت جهانی که در مبارزه با توطئه های تفرقه افکنانه و تهدیدات دوا بر قدرت و عمالشان و در یک راه پریچ و خم شکل گرفته و تصحیح یافته است. تجربه تاریخی جهان سوم در دوده گذشته و واقعیت را نشان میدهد. اول آنکه وحدت جهان سوم اساسا در مقابل عقب ماندگی اقتصادی ناشی از استعمار طولانی امپریالیستها، غارت و چپاول و دخالت های اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی حاصل شده است و دیگری آنکه توسعه و این مربوط به هر دو است. توسعه طلبی و تجدید پیدا کرده است. توسعه طلبی و تجار و فاشیستی امپریالیسم شوروی و یا اقمار آن در آسیا و آفریقا نقش مهمی در ایجاد وحدت و نزدیکی کشورهای جهان سوم و بالا بردن

هوشیاری سیاسی آنان در مقابل سیستم امپریالیسم جهانی در مجموعه خود و امپریالیسم شوروی بطور خاص ایفا نموده است. تجار و نیروهای نظامی ویتنام بمرز تا یلند در جنوب شرقی آسیا و بدنبال آن محکوم شدن این منطقه نموده است. تجار و زو جید و وحدت کشورهای جهان سوم علیه سرگردانه گرائی منطقه ای ویتنام و سرگردانه گرائی جهانی ابر قدرت شوروی میباشد. تاریخ جنوب شرقی آسیا با تاخت و تازهای استعمارگرسان و امپریالیستهای گوناگون و مقاومت مبارزه کشورهای منطقه علیه سلطه استعمار رکن و استعمار مترادف است. صدها سال قبل امپراتوری چین فتودالی بر بخشهای از این منطقه فرمانروائی مینمود. در قرن معاصر استعمارگران آسیا، امپریالیسم فرانس، امپریالیسم ژاپن (دوران کوتاهی از جنگ جهانی دوم) و سپس نویت سلطه امپریالیسم آمریکا میسر شده جنگ تجار و زکارانه ای را بر طبقه ای این منطقه تحمیل مینماید. پس از شکست مفتضحانه امپریالیسم آمریکا در ویتنام، لائوس و تاضیف سلطه اش در این کانون، سوسیالیسم امپریالیسم مهاجم شوروی تجار و زو جید را به کشورهای جنوب شرقی آسیا بطور غیر مستقیم آغاز زمینخورد.

اولین گام تجار و زکارانه در این منطقه اشغال کامپوچیا، مستقل و غیر متعهد توسط ویتنام بود. رهبران ویتنام در خدمت به پیشبرد استراتژی جنگی سوسیالیسم امپریالیسم شوروی و سیاست های توسعه طلبانه خود که میبویج تجار و زو جید دولت جوان و انقلابی آنرا سرنگون ساختند. اشغال کامپوچیا موجب شد که کشورهای منطقه بسرعت به دفاع از استقلال کامپوچیا بیاخیزند و تجار و زو جید ویتنام را محکوم سازند. نخست وزیر تا یلند در

ما موریتانجا چنین وظیفه ای بر عهده نکوشین کوتاچ وزیر خارجه ویتنام بود. ما موریتانجا وی را لائوس به مالزی و از مالزی به سنگا بورو آنجا تا هندوستان نیز کشا نید. ویتنامی ها که فکر میکردند در این کار را ر موفق شده اند و کشورهای آ.سه. آن را در ویتنامی از استقلال کامپوچیا دست نموده اند، زمان را غنیمت شمرده و تجار و زو جید خود را اینا ر به خاک تایلند آغاز نمودند ولی رهبران ویتنام و روس همانند کلیه مرتجعین تا ریخ احمقانه پیش نمی باشند. منطق مرتجعان تا آن فظ قادریدیدن تضادها و اختلافات است حتی اگر جزئی باشند، آنها قادریدیدن یک پارچگی ها، هماهنگی ها و اتحادهای کوچک و بزرگ نیستند.

پس فرمان حمله به خاک تایلند ما در مینود و نیروهای نظامی ویتنام و ده هکده را در تایلند تصرف میکنند. ولی با ردیگر کشورهای عفو آ.سه. آن متحد و اینا ر دفاع از حق حاکمیت و تمامیت ارضی تایلند میکنند می شوند و در نشست خود خود سری های توسعه طلبانه ویتنام را که به پشتیبانی شوروی آنجا مگرفت محکوم مینماید ارض تایلند نیز جواب دندان شکنی به قوای مزدور ویتنامی و ژرمنی وارد و آن را از خاک میین خود بیرون میریزد.

جمهوری خلق چین که از مدافعین سر سخت استقلال کامپوچیا بوده و از پیشا هنگان مبارزه علیه توسعه طلبی روسیه در منطقه میباشد و بارها تجار و زو جید ما به کامپوچیا محکوم نموده به مقامات ویتنامی خطا نموده که فوراً نیروهای مناجوز خود را از خاک تایلند خارج سازند و اگر ویتنام ما ردیگر جرات کند و به کشورهای آ.سه. آن تجار و زو جید، چین مطمئنا در سمت این کشورها خواهد ایستاد و مقامات ویتنامی به سختی در اشتباه اندا گرفتار میکنند که آنچه را که با تجار و زو جید شان در منطقه بدست نیا ورده اند با عملیات نظامی بدست خواهند آورد.

در نتیجه جبهه متحد کشورهای منطقه علیه سلطه گری رهبران ویتنام و روسیه مستحکم تر میگردد و اینبار نیز همسانند گذشته تجار و زو جید روسیه و اما ر ش به نزدیکی و وحدت و یک پارچگی کشورهای جهان سوم آنجا میدانشد روشن است که این آخرین تجار و زو جید حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشورهای جهان سوم خواهد بود و نایب هیچ وجه افکار واهی نسبت به آینده داشت. ولی آنچه ی که در جهت تاریخ قدم بر میدارد جبهه متحد و عظیم جهان سوم در مقابل ابر قدرتها و بویژه توسعه طلبی و سرگردانه گرائی سوسیالیسم شوروی میباشد.

رویدادهای اقتصادی

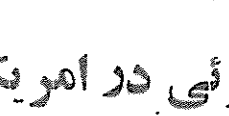
بدون مبارزه با هرج و مرج و بی ثباتی نباید انتظار حل مسائل صنایع کشور را داشت

وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرده که برای راه اندازی صنایع تعطیل شده و متوقف ۲ ماهه ما حین آنها مهلت داده میشود، در غیر این صورت وزارت کار با توجه به اینکه راه اندازی این صنایع به اقتصاد کشور و کاهش بیکاری کمک فراوان خواهد نمود، با کمک استاندارینها و مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی طرح راه اندازی واحدهای سیمه سیمان و متوقف شده را تهیه و به تصویب شورای انقلاب خواهد رساند.

سید علی سناری پور، معاون اشتغال و بهره وری وزارت کار که این خبر را در اختیار خبرنگاری با رس قرار داده بود گفت که طبق این مصوبه به ما حین این واحدهای تولیدی اعم از اینکه بخش خصوصی و یا سیمان مستضعفین و سازمانهای ملی باشد اخطار میشود که در مدت ۲ ماه نسبت به راه اندازی این واحدها اقدام نکنند در غیر این صورت مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی هراستان نسبت به راه اندازی این واحدها با تشکیل شرکتهای تعاونی اقدام خواهد نمود. سناری پور روابط راه اندازی این واحدها را که گفته میشود بیش از ۱۰۰۰ واحد می باشد، در ۷ مورد چنین بیان داشت:

- ۱- مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی هراستان مسئولیت راه اندازی واحدهای تولیدی نیمه تمام و یا تعطیل شده را بعهده خواهد داد. برای این منظور مرکز گسترش، گروهی از متخصصین را ماء مورثا سازی این واحدها در استان مربوط نموده و لیست آنها را با مشخصات کامل تهیه مینماید.
- ۲- مرکز گسترش به مالک یا مالکین اطلاع میدهد که در عرض دو ماه شروع به راه اندازی واحدهای تولیدی نماید. شورا یغالی مرکز گسترش در مسواری الذکر افزایش دهد.
- ۳- مرکز گسترش حتی الامکان سعی خواهد نمود که به مالک و یا مالکین کمکهای لازم برای راه اندازی واحدهای تولیدی نماید. در صورت عدم آمادگی مالک و یا مالکین، کمکهای لازم را برای راه اندازی واحدهای تولیدی شورا یغالی مرکز گسترش و حد تعطیل شده و یا نیمه تمام را به گروه واجد شرایط کد به تشکیل شرکت تعاونی و علاقه مند و ملاحظه آنها نیز مورد تأیید سازد و اگر سیمان مینماید. مشاورت مالک یا مالکین و احوا کارکنان آن در تشکیل شرکت تعاونی و اداره واحدها مربوطه را اولویت خاصی برخوردار مینماید.
- ۴- شورا یغالی مرکز گسترش در مواردی که واحدهای تولیدی دارای شرایط خاص میباشد، میزان سرمایه گذاری و احوا زیاد بوده و به تعداد کارکنان زیاد احتیاج باشد راه اندازی واحدها را با نظر وزارت صنایع و معادن به سازمان صنایع ملی شده و اگذار مینماید.
- ۵- میزان سرمایه حذف شده و بطور کلی بهای این واحدها توسط کارشناسانی که مورد قبول شورا یغالی مرکز گسترش و مالک یا مالکین باشند تعیین میگردد و طبق قرارداد که بین مالک و شرکت تعاونی تنظیم و منعقد میگردد بعد از بهره برداری از واحدها مالک یا مالکین اصلی و طلبکاران باز پرداخت میکنند.
- ۶- در مواردی که دیون واحدهای تولیدی بیشتر از ارزش آن باشند میزان ما زاد را مالک و یا مالکین طبق موازین قانونی به بستانکاران پرداخت می نمایند.
- ۷- شرکتهای تعاونی که بر اساس این ضوابط تشکیل میگردد کاملاً تابع اساسنامه و مقررات شرکت های تعاونی مصوبه شورای انقلاب خواهد بود.

اینکه دولت پس از ما همسر گردانی و بلانکلیفی نیت کرده است که مشکل توقف و بیکاری بخش عظیم از صنایع کشور را حل کند بهر حال امر



آزمایش یک جنگنده نامرئی در آمریکا

مقامات وزارت دفاع آمریکا پنجشنبه سیام مردادماه اعلام کردند که اخیراً "یک هواپیمای جنگی که نسبت به رادارهای روسی غیر قابل رویت است را آزمایش کرده‌اند." این هواپیما که در محافل نظامی به "هواپیمای دزدکی" معروف است بمدت دو سال بطور مخفیانه در پایگاه هوایی "نلیس" در نوادا مورد آزمایش قرار گرفته است. این جنگنده به شکل خاصی ساخته شده که کمترین امواج رادار را منعکس می‌کند و قادر است بدون شناسائی شدن به حریم هوایی روسیه نفوذ کند. هر چند که برخی از مقامات آمریکائی نسبت به توانائی این هواپیما شک و تردید دارند و دلیل این امر را سقوط یکی از این هواپیماها در ضمن تمرین می‌دانند که بخاطر شکل عجیب و غریب آن بوده است. موفقیات آمریکائی این هواپیما در کمال خفا تکوین یافته و یکی از "پروژه‌های سیاه" محدود بوده است که در وزارت دفاع جزایان داشته است و تنها عده‌ای محدود و برگزیده از اعضای کنگره و سنای آمریکا در کمیته‌های دفاع از این پروژه با خبر بوده‌اند. مقامات مطلع دلیل افشاء کردن این پروژه را عکس العمل کارتر نسبت به انتقاد رقیب انتخاباتی اش رگان که گفته بود "کارتر با لغو پروژه ساختن بمب افکن "بی-۱" اشتباه بزرگی مرتکب شده" می‌دانند. موفقیت ساختن چنین هواپیمائی که توسط رادار شناسائی نمی‌شود امکان موفقت کارتر با ساختن بمب افکن‌های دور پرواز جدید را بیشتر کرده است. سابقه تسلیحاتی ابر قدرتها خطر جنگ جهانی را بیشتر و قریب الوقوع‌تر می‌کند و لزوم هشیارى خلق‌ها و ملل صلح دوست را بیشتر خواهد کرد.

ارتش بولیوی یک قصبه را نابود کرد

براساس گزارش سازمان عضو بین‌المللی شاهدان عینی گزارش داده‌اند که نیروهای نظامی بولیوی قصبه معدنی "کاراکوتسی" را از سکنه خالی کرده‌اند. این سازمان می‌افزاید که "در حدود ۹۰۰ نفر در چهارم ژوئیه امسال یعنی ۱۸ روز بعد از کودتای نظامی در این کشور مفقود شده‌اند و تعداد کشته شدگان، دستگیر شده‌گان و احیاناً آنهائی که موفق به فرار شده‌اند هنوز نامعلوم است". این شهر که در ۲۶۶ کیلومتری جنوب شرقی لاپاز (پایتخت بولیوی) واقع شده است بعد از کودتای نظامی یکی از مراکز مقاومت معدنچیان بود.

بنا بگزارش این سازمان نیروهای نظامی ابتدا شهر را بمباران کردند (توسط تیربار و هواپیما و تانک) و سپس مردمی که با سنگ سعی می‌کردند سربازان را بعقب رانند تعقیب و قتل عام کرده‌اند. معدنچیان بولیوی که در سخت ترین شرایط کار می‌کنند از سالها پیش یکی از مراکز مهم و اصلی مقاومت بر علیه رژیم‌های دیکتاتوری و وابسته بولیوی بوده‌اند. در کودتای اخیر نیز آسیا بیش از همه از خود مقاومت و فداکاری نشان دادند. از طرف دیگر بنا بگزارشهای رسیده از لاپاز دولت کلیه اتحادیه‌های کارگری و دانشگاهها را برای مدت نامعلومی بسته است از جمله اتحادیه‌های تعطیل شده کنفدراسیون کارگران بولیوی است که یکی از نیرومندترین اتحادیه‌های کارگری این کشور است و رهبر آن "خوان لوچین اکنون در زندان بسر می‌برد."

اعتصاب غذای کارگران کشاورزی اسپانیا

کارگران بیگار کشاورزی که بیش از دو هفته است (تا پنج شنبه) بهر یور دست باعتصاب عدا زده‌اند با پشتیبانی وسیع کارگران کشاورز بیگار در جنوب اسپانیا روبرو شده‌اند. تعداد کارگران کشاورزی که در اعتصاب غذا بسر می‌برند بیش از هفتصد نفر است. بیش از یک سوم جمعیت "مارینالدا" که در یکصد کیلومتری شرق شهر "سویل" قرار دارد دست باعتصاب غذا زده‌اند، خواسته‌های آنها کمک های بیشتر دولت به بیش از ۱۲۰ هزار کارگر کشاورزی بیگار در ناحیه "آندالوسی" است یکی از رهبران "اتحادیه کارگران کشاورزی" اظهار داشت که در حدود بیست هزار کارگر کشاورزی بیگار در استان "سویل" وجود دارد. این کارگران حداقل ۸ میلیون دلار از دولت تقاضای کمک کرده‌اند ولی کمتر از ۲ میلیون دلار بیشتر دریافت نکرده‌اند. سرمایه‌داران اسپانیا بخاطر سود بیشتر و در مدت کوتاهتر بیشتر در رشته‌های سود آور صنعتی سرمایه‌گذاری می‌کنند و روی این اصل توجه کافی به کشاورزی ندارند. وجود اینهمه کارگر کشاورزی بیگار بخاطر عدم توجه دولت که نماینده سرمایه‌داران است به امور کشاورزی می‌باشد.

بین آمریکا و سومالی بسته شده

جمعه سی و یکم مرداد ماه قرار داد استفاده نیروهای نظامی آمریکا از بنادر و پایگاههای هوایی سومالی در واشنگتن باضام رسید. انعقاد این قرارداد بخشی از ریاست کارتر در تقویت پیروهای نظامی آمریکا در دریای سرخ و خلیج فارس است. آمریکا قبلاً نیز جهت استفاده از پایگاهها و بنادر عمان و کینا یعنی در مناطق خلیج فارس و آفریقا با این کشورها بتوافق رسیده است.

بر طبق موافقت نامه بین آمریکا و سومالی قرار شده که آمریکا معادل ۲۰ میلیون دلار اعتبار برای فروش وسائل جنگی در اختیار دولت سومالی قرار دهد. علاوه بر این دولت آمریکا مبلغ ۲۰ میلیون دیگر اعتبار و ۵ میلیون دلار کمک برای بودجه دولت برای سال آینده در اختیار سومالی قرار می‌دهد. سومالی بنوبه خود تعهد کرده است که وسائل جنگی خریداری شده از آمریکا را در جنگ‌های مرزی علیه اتیوپی بکار نبرد. دولت سومالی قبلاً برای واگذاری تسهیلات بندری و پایگاهی در خاک خود به آمریکا مبلغ ۲ میلیارد دلار پیشنهاد کرده بود. کارشناسان نظامی عقب نشینی دولت سومالی از مبلغ پیشنهاد شده را در ارتباط با تقویت نیروهای نظامی اتیوپی و ورود ساز و برگهای امروزی‌تر و بیشتر روسی باین کشور دانستند. ایرقردت امیرالیستی آمریکا بدنبال تهاجم رقیب خود نزارهای نوین در شاخ آفریقا وارد کردن سلاحهای امروزی بارش چند میلیارد دلار و ساختن استحکامات نظامی در بنادر "اسره" و "نکا" و او در ابرتره سخت به تکاپو افتاده تا پایگاه‌های نظامی در این منطقه را بدست آورد.

دراثر اعتصاب کارگران برق ال سالوادور

تمام شهر در تاریکی فرودفت

جمعه سی و یکم مرداد ماه کارگران الکتریکی ال سالوادور اعتصاب خود را از یک کارخانه به کارخانه‌های دیگر نیز گسترش دادند و سبب قطع برق و خاموشی در تمام کشور شدند. این اعتصاب در اعتراض به اخراج ۳۵ تن از همکاران خود انجام گرفته است. یک روز قبل یعنی روز پنج شنبه بعد از ظهر کارگران هم ۵ کارخانه تولید برق ال سالوادور را اشغال و تنها برق را روی نیچی از جمعیت ۵ میلیونی کشور قطع کردند. دولت به کارگران اخطار کرد تا کارخانهها را رها کنند و برق را بحریان بیاورند اما کارگران عکس العملی نشان ندادند و مذاکرات در تمام روز جمعه ادامه داشت. کلیه منازلها در پایتخت ۸۰۰ هزار نفری بسته بود و روزنامه‌ها نیز منتشر نشد. باستانی رادیوهای دولتی که دارای برق جداگانه‌ای می‌باشند کلیه رادیو ها و تلویزیون ها از کار افتادند. آب آشامیدنی نیز در شهر بعلت اینکه بمب‌های اضطراری در کارخانجات آب رسانی شهر نادر به تهیه آب کافی نبودند کمیاب شد.

چریک‌ها ۱۵ تن از

مقامات دولتی تایلند را کشتند.

بنا بگزارش سیاسی جمهوری اسلامی ایران و بنقل از خبرگزاری‌های خارجی چریک‌های عضو حزب کمونیست تایلند ۱۵ تن از مقامات دولتی تایلند را که جهت تبلیغات ضد چریکی به ماطقی که محل فعالیت حزب کمونیست و ارتش آزادی‌بخش این حزب است مسافرت می‌کردند از پای درآوردند. دولت تایلند ادعا کرده است که قبلاً هشت تن از چریک‌های کمونیست را در طی یک تهاجم همه‌جانبه بر علیه مناطق پایگاهی رزمندگان کمونیست کشتند. حزب کمونیست تایلند که از سالهای ۱۳۲۰ مسلحانه علیه حکومت های وابسته و ارتجاعی مبارزه میکند هم‌اکنون دارای هزارها چریک مسلح تمام وقت بوده و مناطق روستائی وسیعی را زیر نظر و کنترل خود دارد. حزب کمونیست تایلند خطر اصلی را برای استقلال و تمامیت ارضی کشور و تجاوز ارتش سلطه‌گر ویتنام و شریک کوچک سوسیال امپریالیسم روس میدانند. دولت تایلند علیرغم درک این واقعیت یعنی خطر اشغال کشور از طرف سلطه‌گران منطقه‌ای ویتنام به عبت می‌کوشد تا هم به دشمن خود کمونیست‌ها ضربه بزند و هم با حمله به کمونیست‌های تایلند که دشمن سرسخت مرتجعین ویتنامی می‌باشد، توسعه طلبان ویتنامی را راضی و از حمله به تایلند بازدارد. این یک خیال واهی بیش نیست زیرا توسعه طلبان ویتنامی هر نیروئی را که در برابر پیشروی خود ببینند و از خود مقاومت نشان دهد از پای درمی‌آورند.

موضوع نمی بردا زدو کماگان به جوانب عارضی مسئله بحران صنایع کشور می بردا زد.

بر هیچکس پوشیده نیست که مهمترین علت گریز سرما یه‌دا را ن غیر - و ابسته از سرما یه‌گذاری، عدم ثبات سیاسی و روشن نبودن وضع مالکیست است. در شرایطی که هیچگونه تضمینی برای امنیت قضائی وجود ندارد و در عین حال هیچ برنا مه‌ای هم برای روشن شدن این مسئله در دست نیست و هر روز با چماقی "مکتب" به سر متحصصان مکتوبند و در شرایطی که هنوز به ما شدن آلات، تخصص، لوازم بیدکی و... از خارج نیاز مندیم در عوض تادستشان میرسد در راه برقراری مناسبات عادی با کشورهای خارج سنگ می‌اندازند. آیا طبیعتی نیست که سرما یه‌دا رملی، از سرما یه‌گذا ری بگریزد؟ در نتیجه تا وقتی شرایط سیاسی لازم همراه با امنیت قضائی بوجود نیاید شکی نیست که نمیتوان از صنعتگران و سرما یه‌دا را ن غیر وابسته انتظار داشت که صنایع شیهه‌شما را تکمیل کنند، کارخانه‌های از کار افتاده را به راه انداخته و شروع به سرما یه‌گذا ری جدید نمایند.

در زمینه سرما یه‌های دولتی هم وضع بهتر از این نیست. نبودن یک برنا مه تدوین شده اساسی، رواج انقلابیگری کاذب که در زیر شعارهای باصلاح "مدیران یه‌داری، جلوی رشد تولید و خودکفائی اقتصاد را مسد کرده و لاجرم اقتصاد را بسوی وابستگی بیشتر سوق میدهد و همچنین یوزکراسی عریض و طویل موجود که با ایجاد "بنیادهای" جدید بحجم آن افزوده نیز گذشته است و برزکا غذا یی، فسادوی بی برنا مکی است و پرونده‌های اختلاس و فساد در "بنیاد مستضعفین" که سرپرستی واحدهای تولیدی معاصر شده را بعهده دار ردگوشه‌ای از این واقعیت را نشان میدهد، باعث شده تا بخش دولتی نتواند تولید را به راه بندازد.

حل مسائل کشور مسائل کوچکی نیست. این کار نیاز به بسیج تمام عوامل مثبت بر اساس "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" دارد. در شرایطی که معیارهای انقلابیگری کاذب در سر راه سرما یه‌گذا ری، بکار رگیری متخصصین و همکاری فعال مردم در امر تولید ایجاد میکند، بی شک تعاض و نیهای تولیدی هم‌گه هنوز از تجربه و تخصص نازلی برخوردارند موفقیت بزرگی عایدشان نخواهد شد. اگر به مسئله تعاض و نیهای بطور مجرد نگریسته شود و مجموع مسائل با در نظر گرفتن اولویتها پیش روی گذا رده نشود و برای آن راه‌حلهای جدی اتخاذ نشود، بی شک تعاض و نیهای جدیدترین از مدت کوتاهی برای ملت فوراً قورخو خواهند شد.

طرح وزارت کار برای بر راه انداختن صنایع بدون در نظر گرفتن عوامل سیاسی و اجتماعی دیگرمانند هرج و مرج و تعدد مراکز قدرت، بیسی ناسوسی و روشن نبودن برنا مه اقتصاد و... جداگانه نمیتواند در روی کاغذ یک طرح خوب باشد و الا غیر از تجربه ۱۸ ماهه گذشته با اسراردهنها بارنا عت کرده است.

زنجبیر و خوانندگان

فغانی پستی «زنجبر»: تهران -
صندوق پستی ۲۱۲ - ۱۲۰۱

دادخواهی یک زن زحمتمکش

می‌کنم و مطب را بنا مرتب کرده‌ام، یک منشی دیگر گرفته، که شغل سه‌ساله مرا بگیرد و بحساب دیگر من "وردست" آقای دکتر باشم.

تا تمام مریضی که‌دا رم بیمه نیستم، اما هیچ اعتراضی نکردم. و بگویم که بعد از ۴ یا ۵ سال کار صبح و عصر نوبت، ماهی ۱۶۰۰ تومان به من می‌دهد و حالا اگر بخوام هم بیرون بیرون چه‌کنم؟

ممنونم که این نوشته مراد چ کتید تا شاید این دکتر بفهمد من اگر احتیاج مالی نداشته‌م در خرمانی را قبول نمی‌کردم و آبرو و غرور ما را در نظر بیاورد.

اصفا ن خانم مهری -
بها ننه اینک من مریض زیا دی قبول

کارگران شرکت چکش

ما خواستار دریافت دستمزد عقب افتاده خود هستیم

کارگران شرکت چکش که برای دریافت ۲۵ روز دستمزد عقب افتاده خود در روز دوشنبه سوم شهریور ماه در جلوی ساختمان بنیاد مستضعفین اجتماع کرده بودند، سه دنبال دستگیر شدن ۲ نفر از نمایندگان - شان از طرف پاسداران بنیاد دست به اعتراض زده و خواهان آزاد شدن نمایندگان خود هستند.

طبق گزارش خبرنگار رنجبران یکی از نمایندگان در جمع کارگران این شرکت در این مورد چنین میگوید: «صبح امروز (دوشنبه) بسیاری دریافت حقوق کارگران این شرکت که در حدود ۶۰۰ نفر هستند در جلوی ساختمان بنیاد اجتماع کردیم و ۸ نفر از ما که نمایندگان کارگران هستیم بمسئولین امور مراجعه کردیم و میخواستیم در مورد حقوق خود مسأله و وضع شرکت با آنها صحبت بکنیم. ولی چند پاسدار وارد جلسه شدند و ما را ۲ نفر از نمایندگان بناهای کامل عاقبت طلب و انشا الله طایبی را احدا کردند که پس از معرفی برادران ما متأسفانه آنها را به پناه ندادند بلکه آنها را رخصتی دارند از جلسه بیرون بردند و گفتند که تا یک ربع دیگر برمیگردند.

بعد از مدتی که ما جویای آنها شدیم و اعتراض کردیم، گفتند که در اتاقی بغلی هستند و تا نیم ساعت دیگری آیند.

بقیه کارگران در بیرون ساختمان نگران و آشفته شدند زیرا بجای اینکه به خواستهای آنها جواب داده بشود نمایندگان آنها را دستگیر کرده بودند. و حالا هم دست با اعتراض زده ایم و خواستار آزادی نمایندگان خود هستیم.

نمایندگه کارگران در مورد وضع شرکت گفت: «در این شرکت ساختمانها که در حدود ۶۰۰ کارگر مشغول بکار هستند مدت است که کارها خراب شده است

آیا در لهستان شاهد تکرار تجربه چکسلواکی خواهیم بود؟



خبرگزاری ریپا اعلام کردند که واحدهای نظامی بیما و ورشو برای یک ماه نورنظا می بتدریج وارد آلمان شرقی میشوند. این ماه نورنظا می که در آن در حدود ۴۰۰۰۰ سرباز از کشورهای عضو بیما و ورشو شرکت خواهند کرد، طی چند هفته آینده در شمال آلمان شرقی برگرا خواهد شد.

انجام این ماه نور و آرایش نظامی نیروها که محل آن در نزدیکی لهستان است، یادآور ماه نور بیما و ورشو در سال ۱۹۶۸ در مرزهای چکسلواکی می باشد. دولت شوروی تحت پوشش ماه نورنظا می مزبور، به خاک چکسلواکی تها و زخمیود.

ما نورنظا می بیما و ورشو در مرزهای لهستان

اکنون در زمانی انجام میشود که اعتراضات وسیعی کشور لهستان را فرا گرفته است. با آگاهی و شور و هیجان و مت که در مردم لهستان است بدون شک ارتش شوروی در صورت تهاجم به لهستان با مقاومت شدیدی روبرو خواهد شد. کارگران اعتصابی با رها اذعان کرده اند که در صورت چنین تهاجمی لهستان مثل پراگ نخواهد بود بلکه مثل گدال خواهد شد.

در سال ۶۸ نیز علیرغم مسلط شدن فرای نظامی روسی مردم پراگ قهرمانانند دست به مقاومت زدند. عکس با لا مربوط به مقاومت مردم چکسلواکی است، صحنه ای که در پراگ عظیمیت داشت.

یادداشتها

آیا همه جز انحصار طلبان، توطئه گویند؟

یکی از تکرر هائی که این روزها سخت مورد استفاده عدای فرار کزمنه این است که به شیوه ای جنجالی هر حرفی، هر حرکتی، هر نظری، هر استفادی و خلاصه هر چیز غیر خودی را توطئه ای علیه خود معرفی می کنند. آنها دسته خود را مرکز انقلاب و مرکز جهان می نمایانند و همه را، همه جهان را، و همه اشخاص، گروهها و نیروها در داخل جامعه را در حال توطئه علیه خود معرفی می کنند.

آنان بطور روزمره و تحت عناوین بر سر و صدا مدعی میشوند که هر کس حرفی و استفادی علیه آنها بزند، قصدش تضعیف، ضربه به انقلاب و خدمت به ضد انقلاب و حتی دست - نشانده ابرقدرت است.

خلاصه آنکه انحصار طلبان براحتی همه غیر از خود را توطئه گر، خارج از خط، ضد انقلاب و جاسوس میخوانند.

آنها خود می دانند که ادعاهایشان چندان حقیقت ندارد، یعنی که تجسم انقلاب نیستند و دیگران نیز در حال توطئه علیه آنها نمی باشند. اما از این طریق تلاش می کنند تا واقعیت معایب و مقاصد خود را بی نشانند، در دعوی قدرت خود را برجسته سازند و مخالفین و رقبای خود را بکوبند و مرعوب کنند و حتی زمینه جینی برای سرکوب مخالفان و انتقاد کنندگان کرده باشند.

جالب اینجاست که انحصار طلبان ما که این همه نسبت به خود "حساس و زود رنج" هستند و کمترین انتقاد و مخالفتی را بر حسب "ضد انقلاب" و "توطئه" می زنند، خودشان در جریان راه انداختن، تهمت و برجسب زدن، در حفا علیه رقبا اقدام کردن و... خیلی هم بی پروا بوده اند. نمونه برخورد اینان و رسانه های تحت اختیارشان نسبت به دولت موقت، شخصیت های سیاسی مثل وزیر امور خارجه، و نسبت به شخص رئیس جمهور پیش روی ماست. آنها در این موارد وقتی که با موج مقاومت روبرو میشدند و قافیه را می باخند، براحتی می گفتند که ای بابا اینکه چیزی نیست، انتقاد سازنده است، یا نظر شخصی بوده، و اینکه تضعیف جمهوری نیست و غیره. بنابراین دوسان میخواهند حتی انتقاد کردن را به انحصار خود در آورند.

خوبست از این هتل قدیمی کمی بیاموزند که "یک سوزن به خودت بزن، ده تا جوال دوز به دیگری"

ارزیابی از عملکرد رادیو و تلویزیون

روزنامه کیهان مورخ ۵۹/۶/۴ مقاله ای به قلم جهان شاه معینی تحت عنوان ضرورت ارزیابی عملکرد رادیو تلویزیون به چاپ رسیده است. بعلت اهمیت نظرات عنوان شده، بحثیاتی از این مقاله را برای خوانندگان نقل می کنیم:

دربور (۵۹/۶/۲) کیهان خبر از کشف عوامل کودتا در رادیو تلویزیون داد. بدون تردید در رابطه با این خبر مسئولیت بسیار برای آنها که تکران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند مطرح شده است. از جمله: آیا این افراد فعالیتشان محدود به فقط سی ساعت برنامه در صورت پیروزی کودتا بوده است؟ آیا می دانیم همین افراد (که مناسقاته تا ساحتنه هم مانده اند) از ابتدای پیروزی انقلاب چه تعداد برنامه ضبط و بعد هم بخش کرده اند؟ آیا ارزیابی کرده ایم که رادیو نقش موثر و مفید یا مخرب و ویرانگر در رابطه با سالم سازی محیط، هدایت افکار و نشر اهداف انقلاب در سطح داخلی و جهانی داشته است.

آیا بررسی کرده ایم که آن کتاووز با آن کارگر که در کردستان، در بلوچستان، در خوزستان، در آذربایجان و یا در سایر نقاط ایران تمام وقت در ضمن کار و فعالیت به رادیو گوش می کنند و رادیو چه میزان آگاهی و اطلاع او را نسبت به مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و ایدئولوژی، اسلامی بالا برده است؟ و یا رادیو در بالا بردن راندمان کار و میزان تولید او چه اندازه اثر مثبت یا منفی داشته است؟ چه میزان اعتقاد و امید او را به انقلاب بالا برده است؟ آیا رادیو در جهت اجرای فرمان و همدار همبستگی در زمینه "وحدت" عامل کار ساز بوده و در راه حفظ و اعلاای وحدت مردم قدم برداشته یا بر عکس در جهت تضعیف وحدت و سود و دودستگی و چند دستگی و ایجاد ناراضی کوشیده است؟

امید من اینست که مسئولان با توجه به حساسیت و نقش عمده رادیو (و تلویزیون) به عنوان یکی از کلیدهای اصلی برای خارج کردن کشور از تنگناها و جو ناامنی و خشونت و نفاق و دودستگی و بازگشت به وحدت برای تداوم انقلاب و همچنین آماده ساختن مردم برای جلوگیری از خنثی کردن هر تجاوز و توطئه علیه انقلاب عملکرد رادیو تلویزیون را مورد

کارگران می پرسند:

آیا انحصار طلبان ما از بحران

استان خود را خلاصه می کنند؟

توده ها خواهند...

از صفح اول

و هشیارند. آنان اعمال همه را با معیار "استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی" محک میزنند و آوازه میهند زیر هیچ پرچم و نقابی دستاورد های انقلاب از کف آنان بدرود و آینه سد انقلاب در معرض خطر جدی قرار گیرد.

